



۲۱

خشونت جنسی و جنسیتی
در جنگ



انتشارات آرمان شهر
بهار ۱۳۹۸

استفاده و اقتباس از نوشته های این کتاب با ذکر منبع مجاز است.
نظرات مطرح شده در این کتاب الزاما خواست و مشی آرمان شهر نیست .

آدرس الکترونیک: armanshahrfoundation.openasia@gmail.com
تارنما: <http://www.openasia.org>

فهرست

قطعه نامه ۲۱۰۶ (۲۰۱۳) شورای امنیت سازمان ملل متحد..... ۵

ناشنوده، به حساب نیامده: پیش به سوی پاسخ گویی در مورد خشونت جنسی و جنسیتی در دادگاه بین المللی جزایی و فراتر از آن.....	۱۵
مقدمه.....	۱۷
زمینه فعالیت فدراسیون.....	۲۰
روش اجرای این پروژه.....	۲۱
۱. پاسخ گویی برای خشونت های جنسی و جنسیتی در دادگاه بین المللی جزایی.....	۲۲
تعریف جنایت های جنسی و جنسیتی.....	۲۳
سیاست ها و استراتژی های تازه دادستانی دادگاه در مورد خشونت های جنسی و جنسیتی.....	۲۴
ایجاد فضای امن برای قربانیان و شاهدان.....	۲۵
خطر کودک انگاری قربانیان خشونت های جنسی و جنسیتی.....	۲۵
نتیجه گیری این بخش.....	۲۶
۲. رابطه بین دادگاه بین المللی جزایی و جامعه مدنی.....	۲۸
درک محدودیت های هر طرف در زمینه رازداری و رعایت آنها.....	۲۸
تشخیص وظایف متفاوت دادگاه بین المللی جزایی و سازمان های جامعه مدنی.....	۲۹
محدودیت های ناشی از استراتژی دادستانی.....	۳۰
حمایت دادگاه بین المللی جزایی و جامعه مدنی از قربانیان و شاهدان.....	۳۰
نتیجه گیری این بخش.....	۳۲

خشونت جنسی و جنسیتی در جنگ

سیاست نامه ۲۱

به کوشش گیسو جهانگیری، شورانگیز داداشی و خلیل رستم خانی

طرح جلد و برگ آرابی: روح الامین امینی

انتشارات آرمان شهر

چاپ اول: بهار ۱۳۹۸

شماره گان: ۱۰۰۰

حق چاپ محفوظ و مخصوص ناشر است

این کتاب با حمایت مالی آیکن (ICAN) در افغانستان منتشر شده است. مسؤلیت انتشار ترجمه کتاب به عهده ی بنیاد آرمان شهر و مسؤلیت محتوای مطالب به عهده ی نویسنده یا نویسندگان است و به هیچ وجه نمی تواند بازتاب دیدگاه نهادهای نام برده محسوب شود.

۳. راه‌های دیگر برای دستیابی به پاسخ‌گویی در مورد جنایت‌های مربوط به خشونت‌های جنسی	
و جنسیتی	۳۴
تکمیلی بودن مثبت بین دادگاه بین‌المللی جزایی و مسئولان محلی	۳۵
تکمیلی بودن در استراتژی‌ها و خط‌مشی‌های تحقیق و دادستانی	۳۶
استفاده از بهترین روش‌ها و روایت‌های موفقیت	۳۶
برنامه‌های آموزشی و انتقال تجربه بین هم‌تایان	۳۷
به شراکت گذاشتن بهترین رویه‌های اقدام حقوقی	۳۷
مشارکت قربانیان در دادرسی‌های کیفری	۳۹
روایت‌های فردی و افزایش آگاهی	۴۲
نتیجه‌گیری این بخش	۴۶
مصاحبه با رودلفو دومینگز مارکز	۴۹

قطعنامه ۲۰۱۶ شورای امنیت سازمان ملل متحد در مورد خشونت‌های جنسی و جنسیتی در جنگ

مصوب شورای امنیت در نشست ۶۹۸۴، ۲۴ ژوئن ۲۰۱۳

شورای امنیت،

با تاکید بر تعهدات خود مبنی بر اجرای کامل و مستمر، به شیوه تقویت متقابل، از قطعنامه‌های ۱۲۶۵ (۱۹۹۹)، ۱۲۹۶ (۲۰۰۰)، ۱۳۲۵ (۲۰۰۰)، ۱۶۱۲ (۲۰۰۵)، ۱۶۷۴ (۲۰۰۶)، ۱۷۳۸ (۲۰۰۶)، ۱۸۲۰ (۲۰۰۸)، ۱۸۸۲ (۲۰۰۹)، ۱۸۸۸ (۲۰۰۹)، ۱۸۸۹ (۲۰۰۹)، ۱۸۹۴ (۲۰۰۹)، ۱۹۶۰ (۲۰۱۰)، ۱۹۹۸ (۲۰۱۱) و ۲۰۶۸ (۲۰۱۲) و همه اظهارات مرتبط رئیس شورای امنیت،

با تشکر از دبیرکل به‌خاطر گزارش ۱۲ مارس ۲۰۱۳ (S/2013/149) و با توجه به تجزیه و تحلیل و توصیه‌های موجود در آن، اما با حفظ نگرانی عمیق درباره اجرای کند و جوه مهم قطعنامه ۱۹۶۰ (۲۰۱۰) به منظور جلوگیری از خشونت جنسی در درگیری‌های مسلحانه و وضعیت‌های پسادرگیری و با توجه به مستندات در گزارش دبیرکل که خشونت جنسی در چنین وضعیت‌هایی در سراسر جهان رخ می‌دهد،

با به رسمیت شناختن اعلامیه جلوگیری از خشونت جنسی در درگیری مصوب وزرای خارجه گروه ۸ در لندن در ۱۱ آوریل ۲۰۱۳ و تعهداتی که در این زمینه اتخاذ شده، با تشخیص این که پیگرد جدی و دقیق قانونی جرایم خشونت جنسی و همچنین مالکیت و مسئولیت ملی توجه به عوامل ریشه‌ای خشونت جنسی در درگیری‌های

مسلحانه که برای بازدارندگی و پیشگیری اهمیت اساسی دارد؛ هم‌چنان‌که چالش این افسانه‌ها که خشونت جنسی در درگیری‌های مسلحانه پدیده‌ای فرهنگی یا پیامد اجتناب‌ناپذیر جنگ یا جرم کم اهمیت تری است،

با تأکید بر این که توانمندی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی زنان، برابری جنسیتی و بسیج مردان و پسران در تلاش برای مبارزه با همه اشکال خشونت علیه زنان در تلاش‌های طولانی مدت برای جلوگیری از خشونت جنسی در درگیری‌های مسلحانه و وضعیت‌های پسا درگیری در صدر اهمیت قرار دارد؛ و تأکید بر اهمیت اجرای کامل قطعنامه ۱۳۲۵ (سال ۲۰۰۰) با در نظر گرفتن اقدام‌های جاری بر روی شاخص‌های اجرای قطعنامه ۱۳۲۵ و قطعنامه‌های پس از آن درباره‌ی زنان و صلح و امنیت و تشخیص تلاش‌های مربوط به نهاد امور زنان سازمان ملل در این حوزه، با توجه به نگرانی از اینکه خشونت جنسی در درگیری‌های مسلحانه و وضعیت‌های پسا درگیری به‌طور نامتناسبی بر دختران و زنان، همان‌طور که بر گروه‌هایی که به‌طور خاص آسیب‌پذیر هستند یا ممکن است به‌طور ویژه‌ای هدف قرار بگیرند، تأثیر می‌گذارد، و همچنین بر مردان و پسران و آنهایی که به‌اجبار شاهد خشونت جنسی علیه اعضای خانواده خود بوده‌اند، و آسیب روانی ثانوی می‌بینند؛ و با تأکید بر اینکه اعمال خشونت جنسی در چنین وضعیت‌هایی نه تنها به شدت مانع مشارکت موثر زنان در جامعه بلکه مانع از صلح و امنیت پایا و همچنین توسعه پایدار می‌شود،

با تشخیص اینکه دولت‌ها مسئولیت اولیه رعایت و تضمین حقوق بشر همه اشخاص در قلمرو سرزمینی و قضایی خود را که در حقوق بین‌المللی تعیین شده بر عهده دارند؛ و با تأکید مجدد بر مسئولیت طرفین درگیری مسلحانه برای تضمین محافظت از شهروندان،

با تأکید مجدد بر احترام به حاکمیت، تمامیت ارضی و استقلال سیاسی همه کشورها مطابق با منشور سازمان ملل متحد،

با یادآوری شمول طیفی از جرایم مرتبط با خشونت جنسی در اساسنامه ژم دادگاه بین‌المللی جزایی (ICC) و اساسنامه‌های دادگاه‌های موقت بین‌المللی کیفری،

با توجه به مقررات "عهدنامه تجارت اسلحه" که کشورهای متعهد صادرکننده باید خطر سلاح‌های متعارف تحت پوشش یا اقلام مورد استفاده در ارتکاب یا تسهیل اعمال جدی خشونت مبتنی بر جنسیت یا اعمال جدی خشونت علیه زنان و کودکان را در نظر بگیرند،

به علاوه با یادآوری اینکه تجاوز و سایر اشکال خشونت جنسی در حقوق بین‌المللی بشردوستانه ممنوع شده،

با یادآوری سیاست ارزیابی حقوق بشر درباره حمایت سازمان ملل متحد از نیروهای امنیتی غیر سازمان ملل متحد به عنوان ابزاری برای تقویت رعایت حقوق بین‌المللی بشردوستانه، حقوق بشر و حقوق پناهندگان از جمله توجه به خشونت جنسی در درگیری مسلحانه و وضعیت‌های پسا درگیری،

با در نظر گرفتن گزارش دبیرکل و تأکید بر اینکه قطعنامه حاضر به دنبال اتخاذ هیچ گونه حکم حقوقی نیست تا تعیین کند که وضعیت‌های مورد اشاره در گزارش دبیرکل درگیری مسلحانه به مفهوم کنوانسیون ژنو و پروتکل‌های الحاقی به آن است یا نیست؛ و همچنین درباره‌ی وضعیت حقوقی طرفین غیر متعهد در چنین وضعیت‌هایی پیش‌دآوری ندارد،

۱. تأیید می‌کند که خشونت جنسی زمانی که به عنوان روش یا تاکتیک جنگی و یا به عنوان بخشی از حمله گسترده یا سیستماتیک علیه غیرنظامیان مورد استفاده قرار می‌گیرد، می‌تواند به‌طور قابل توجهی شرایط درگیری مسلحانه را تشدید بخشد و طولانی‌کند و همچنین ممکن است مانع استقرار مجدد صلح و امنیت بین‌المللی شود؛ تأکید می‌کند که در این رابطه قدم‌های موثر برای جلوگیری و واکنش به چنین اقدام‌هایی به‌طور قابل توجهی به حفظ صلح و امنیت بین‌المللی کمک می‌کند؛ و بر مشارکت زنان به عنوان ضرورت برای هرگونه واکنش پیشگیرانه و حمایتی تأکید می‌کند؛

۲. توجه دارد که خشونت جنسی می‌تواند جنایت ضد بشریت یا اقدامی مرتبط با نسل‌کشی باشد، به علاوه یادآوری می‌کند که تجاوز و سایر خشونت‌های جنسی جدی در درگیری مسلحانه جنایت‌های جنگی هستند، و همه کشورهای عضو سازمان

ملل متحد را به انجام تعهدات مرتبط خود و ادامه مبارزه با معافیت از مجازات از طریق تحقیق و پیگرد قانونی مسئولان چنین جنایت‌هایی بر اساس صلاحیت‌های قضایی‌اشان فرا می‌خواند؛ کشورهای عضو را به گنجاندن کلیه جرایم مربوط به خشونت‌های جنسی در قوانین مجازات خود و امکانپذیر کردن تعقیب چنین اعمالی تشویق می‌کند؛ تشخیص می‌دهد که تحقیقات موثر و مستند سازی خشونت جنسی در درگیری مسلحانه در اجرای عدالت در مورد مجرمان و نیز برای مطمئن شدن از دستیابی بازماندگان به عدالت موثر است؛

۳. توجه دارد که مبارزه علیه معافیت از مجازات برای مهمترین جنایت‌های بین المللی ارتکاب یافته علیه زنان و دختران از طریق کار دادگاه بین المللی جزایی ICC، دیوان‌های داورى موردی و ترکیبی و نیز دادگاه‌های ویژه در دادگستری کشورها تقویت شده است؛ قصد خود را برای ادامه مبارزه قاطع با معافیت از مجازات و دست یافتن به پاسخ‌گویی با روش‌های مناسب تکرار می‌کند؛

۴. به اهمیت رهیافت جامع به عدالت انتقالی در درگیری مسلحانه و در دوران پس از درگیری به شمول اقدام‌های قضایی و غیرقضایی، بستگی به ضرورت آنها، توجه می‌دهد؛

۵. نیاز به نظارت سیستماتیک بر و توجه به خشونت جنسی در درگیری مسلحانه و دوران پس از درگیری و سایر تعهدات مربوط به زنان، صلح و امنیت در کار خود را تشخیص می‌دهد و در این رابطه قصد خود را به استفاده از همه امکانات در اختیار خود، بستگی به ضرورت آنها، بیان می‌کند تا در صورت لزوم از مشارکت زنان در تمام ابعاد می‌انجیگری، بازسازی بعد از درگیری و ایجاد صلح برای توجه به خشونت جنسی در درگیری از جمله ایجاد و بررسی مأموریت‌های صلح‌سازی و سیاسی، بیانیه‌های عمومی، بازدید از کشورها، مأموریت‌های حقیقت‌یابی، کمیسیون‌های بین المللی تحقیق، مشاوره با نهادهای منطقه‌ای و در ارتباط با کار کمیته‌های شورای امنیت مربوط به تحریم اطمینان یابد؛

۶. با تشخیص نیاز به اطلاعات به هنگام‌تر، هدفمندتر، دقیق‌تر و قابل اعتمادتر به عنوان مبنایی برای جلوگیری و واکنش، از دبیرکل و سایر نهادهای مربوطه

سازمان ملل متحد درخواست می‌کند به ایجاد و اجرای سازوکارهای نظارت، تحلیل و گزارش دهی در مورد خشونت جنسی مرتبط با درگیری، از جمله تجاوز در زمان درگیری مسلحانه و پس از آن و سایر وضعیت‌های مربوط به اجرای قطعنامه ۱۸۸۶ (۲۰۰۹)، بستگی به مورد و با در نظر گرفتن ویژگی‌های هر کشور سرعت ببخشند؛

۷. خواستار افزایش به‌کارگیری مشاوران حمایت از زنان^۱ مطابق قطعنامه ۱۸۸۸ برای تسهیل در اجرای قطعنامه‌های شورای امنیت درباره زنان، صلح و امنیت است و از دبیرکل درخواست دارد تا از ارزیابی سیستماتیک نیاز به مشاوران حمایت از زنان، تعداد و نقش آنها در طول برنامه ریزی و بررسی هر یک از مأموریت‌های سیاسی و حفظ صلح سازمان ملل متحد و آموزش کافی و اعزام به‌هنگام این کارشناسان اطمینان یابد؛ و فعالیت سازمان ملل متحد علیه خشونت جنسی در درگیری را در تسهیل واکنش‌های هماهنگ فعالان صلح‌سازی، بشردوستانه، حقوق بشر، و سیاسی و امنیتی را تشخیص می‌دهد و بر نیاز به هماهنگی، اشتراک اطلاعات، تجزیه و تحلیل، برنامه ریزی برای واکنش و اجرا در سراسر این بخش‌ها تاکید می‌کند؛

۸. نقش متمایز مشاوران جنسیتی را در تضمین توجه اساسی همه عناصر فعال به چشم اندازه‌های جنسیتی در سیاست‌گذاری‌ها، برنامه ریزی‌ها و اجرا تشخیص می‌دهد؛ از دبیرکل ادامه به‌کارگیری مشاوران جنسیتی در مأموریت‌های سیاسی و برقراری صلح و نیز عملیات بشردوستانه سازمان ملل متحد و تضمین آموزش جامع جنسیتی به همه حافظان صلح و افراد غیرنظامی مربوطه را درخواست می‌کند؛

۹. با تأیید تلاش‌های نهادهای سازمان ملل متحد در اطمینان یابی از اینکه کمیسیون‌های تحقیق سازمان ملل متحد درباره درگیری مسلحانه و شرایط پس از درگیری، در صورت ضرورت، دارای دانش کارشناسی در مورد جرایم جنسی و مبتنی بر جنسیت به منظور مستندسازی چنین جرایمی هستند، همه کشورهای عضو سازمان ملل را به حمایت از چنین تلاش‌هایی تشویق می‌کند؛

۱۰. خواست خود برای پایان دادن کامل و فوری همه طرف‌های درگیری مسلحانه به همه خشونت‌های جنسی و خواست خود از همه این طرف‌ها را به اعلام و اجرای تعهدات مشخص و زمان‌دار مبارزه با خشونت جنسی تکرار می‌کند. این تعهدات باید از جمله دستورهای روشنی را از طریق سلسله مراتب در ممنوعیت خشونت جنسی و پاسخ‌گویی برای نقض چنین دستورهایی، ممنوعیت خشونت جنسی در آئین‌نامه رفتاری، دستورالعمل‌های نظامی و پلیس یا معادل آنها را دربربگیرد و تعهدات مشخص تحقیق به‌هنگام دربارہ‌ی تعدی‌های اِتهامی را انجام و اجرا کنند؛ و به‌علاوه همه طرف‌های درگیری مسلحانه را به مشارکت در چارچوب چنین تعهداتی به همراه پرسنل مسئول در هیئت سازمان ملل متحد ناظر بر اجرای آنها فرا می‌خواند و از همه طرف‌ها می‌خواهد نماینده سطح بالای مسئول، و مناسب، برای تضمین اجرای چنین تعهداتی تعیین کنند؛

۱۱. بر نقش مهم زنان، جامعه مدنی، از جمله سازمان‌های زنان، و رهبران رسمی و غیررسمی محلی در اعمال نفوذ بر طرف‌های درگیری مسلحانه با توجه به خشونت جنسی، تاکید می‌کند؛

۱۲. اهمیت توجه به خشونت جنسی در درگیری مسلحانه، در هر زمان مربوطه، در تلاش‌های می‌انجیگری، توافق‌های آتش‌بس و صلح را تکرار می‌کند؛ و از دبیرکل، کشورهای عضو و سازمان‌های منطقه‌ای درخواست می‌کند در صورت لزوم اطمینان حاصل کنند که میانجی‌گران و نمایندگان سیاسی در مواقعی که از خشونت جنسی به عنوان روش یا تاکتیک جنگی یا به عنوان بخشی از حمله گسترده یا سیستماتیک علیه غیرنظامیان استفاده می‌شود، به مسائل مربوط به خشونت جنسی بپردازند، از جمله با زنان، جامعه مدنی، شامل سازمان‌های زنان و بازماندگان قربانی خشونت جنسی و اطمینان یابند که چنین نگرانی‌هایی در مقررات توافق‌های ویژه صلح، از جمله توافق‌های مربوط به ترتیبات امنیتی و سازوکارهای عدالت انتقالی بازتاب خواهند داشت؛ بر گنجاندن خشونت جنسی در تعریف اعمال ممنوع شده در زمان آتش‌بس و مقررات مربوط به نظارت بر آتش‌بس و بر ضرورت حذف جرایم مربوط به خشونت جنسی از مقررات عفو در فرایندهای حل‌وفصل

درگیری اصرار می‌کند؛

۱۳. از کمیسیون‌های موجود مجازات‌ها که در محدوده ضوابط مربوط و سازگار با قطعنامه ۱۹۶۰ (۲۰۱۰) هستند، می‌خواهد تا مجازات‌های هدفمند علیه مرتکبان و آمران خشونت جنسی در درگیری برقرار کنند؛ و قصد خود را، در هنگام تصویب یا تشدید مجازات‌های هدفمند در شرایط درگیری مسلحانه، برای بررسی، در صورت لزوم، گنجاندن معیارهای مربوط به تجاوز و سایر اشکال جدی خشونت جنسی تکرار می‌کند؛

۱۴. نقش گروه‌های حافظ صلح سازمان ملل در جلوگیری از خشونت جنسی را تشخیص می‌دهد و در این زمینه از همه کشورهای اعزام کننده سرباز و پلیس می‌خواهد پیش از اعزام، آموزش در مورد خشونت جنسی و مبتنی بر جنسیت شامل نیازهای متمایز کودکان را در پیش بگیرند؛ به علاوه، کشورهای اعزام کننده سرباز و پلیس را به افزایش استخدام و اعزام زنان در عملیات صلح تشویق می‌کند؛

۱۵. از دبیر کل درخواست می‌کند به تلاش‌ها برای اجرای سیاست عدم تحمل مطلق استثمار و سوء استفاده جنسی به وسیله پرسنل سازمان ملل متحد ادامه دهد و آن را تقویت کند و از کشورهای عضو می‌خواهد پاسخ‌گویی، از جمله پیگردهای قانونی را در مورد چنین رفتاری از سوی اتباع خود تضمین کنند؛

۱۶. از دبیر کل و نهادهای مرتبط سازمان ملل متحد درخواست می‌کند به مقام‌های ملی، با مشارکت موثر زنان، در رسیدگی به دغدغه‌های مربوط به خشونت جنسی کمک کنند، به صراحت در موارد زیر:

الف) فرایندهای خلع سلاح، خاتمه بسیج عمومی و بازپذیری، از جمله از طریق ایجاد سازوکارهای حمایتی برای زنان و کودکان در اردوگاه‌ها و همین‌طور غیرنظامیان در نزدیکی این اردوگاه‌ها و در میان جمعیت‌های عودت داده شده و از طریق آرایه حمایت در زمینه ضایعات روانی و بازپذیری به زنان و کودکانی که بیشتر در ارتباط با گروه‌های مسلح بوده‌اند و همین‌طور جنگجویان سابق؛

ب) فرایندها و ترتیبات اصلاحی در بخش امنیتی از جمله از طریق تامین آموزش

کافی برای پرسنل امنیتی، تشویق به پذیرش زنان بیشتر در بخش امنیتی و بررسی موثر به منظور محروم نمودن اشخاص مرتکب یا مسئول اعمال خشونت جنسی از بخش امنیتی؛

ج) ابتکارات اصلاحی در بخش قضایی، از جمله از طریق اصلاحات در قانونگذاری و سیاستگذاری با توجه به خشونت جنسی؛ آموزش خشونت جنسی و جنسیتی در بخش قضایی و امنیتی و به کارگیری زنان بیشتر در سطوح حرفه‌ای در این بخش‌ها؛ فرایندهای قضایی که نیازهای متمایز و حمایت از شاهدان و همین‌طور بازماندگان خشونت جنسی در درگیری مسلحانه و شرایط پس از درگیری و اعضای خانواده آنها را در نظر می‌گیرند؛

۱۷. تشخیص می‌دهد که آن دسته از زنان و کودکانی که به زور در گروه‌های مسلح و نیروهای مسلح عضو شده‌اند به‌طور ویژه در مورد خشونت جنسی در درگیری مسلحانه و شرایط پس از درگیری آسیب پذیر هستند و به این ترتیب از طرف‌های درگیری مسلحانه می‌خواهد فوری چنین اشخاصی را در صفوف خود شناسایی و آنها را رها کند؛

۱۸. کشورهای عضو مربوطه را به استفاده از دانش کارشناسی تیم کارشناسان سازمان ملل که قطعنامه ۱۸۸۸ (۲۰۰۹) ایجاد کرده، به صورت مقتضی، برای تقویت حاکمیت قانون و ظرفیت غیرنظامی و نظامی سیستم‌های دادگستری برای توجه به خشونت جنسی در درگیری مسلحانه و شرایط پس از درگیری به عنوان بخشی از تلاش‌های گسترده‌تر برای تقویت حمایت‌های نهادهای حامی مبارزه علیه معافیت از مجازات تشویق می‌کند؛

۱۹. با تشخیص اهمیت ارائه کمک به‌موقع به بازماندگان خشونت جنسی از نهادهای سازمان ملل متحد و اهداکنندگان کمک مالی می‌خواهد به‌طور جامع و غیر تبعیض آمیز خدمات بهداشتی از جمله بهداشت باروری و جنسی، حمایت‌های روانی - اجتماعی، قانونی و معیشتی و سایر خدمات چند بخشی برای بازماندگان خشونت جنسی با در نظر گرفتن نیازهای ویژه هر نفر به ویژه افراد دارای معلولیت را فراهم کنند؛ خواستار حمایت از موسسات ملی و محلی، شبکه‌های جامعه

مدنی محلی در افزایش منابع و تقویت ظرفیت‌ها برای ارائه خدمات فوق‌الذکر به بازماندگان خشونت جنسی است؛ کشورهای عضو و اهداکنندگان کمک مالی را به حمایت از برنامه‌های ملی و بین‌المللی امداد به قربانیان خشونت جنسی مانند صندوق‌های امانی قربانیان بر اساس اساسنامه ژم و اجراکنندگان آن تشویق می‌کند؛ و از نهادهای مربوطه سازمان ملل درخواست می‌کند تا تخصیص منابع برای هماهنگی در ارائه واکنش و خدمات مربوط به خشونت جنسیتی را افزایش دهند؛

۲۰. به ارتباط بین خشونت جنسی در درگیری مسلحانه و شرایط پس از درگیری و عفونت اچ‌آی‌وی و بار مسئولیت نامتناسب اچ‌آی‌وی و ایدز بر زنان و دختران به عنوان مانع و چالشی مداوم در مقابل برابری جنسیتی توجه دارد؛ و از نهادهای سازمان ملل متحد، کشورهای عضو و اهداکنندگان کمک مالی می‌خواهد از توسعه و تقویت ظرفیت‌های سیستم‌های سلامت ملی و شبکه‌های جامعه مدنی به منظور ارائه کمک‌های پایدار به زنان و دختران دارای اچ‌آی‌وی و ایدز یا تأثیر یافته از آن در درگیری مسلحانه و شرایط پس از درگیری حمایت کنند؛

۲۱. بر نقش‌های مهمی که نهادهای جامعه مدنی، از جمله نهادها و شبکه‌های زنانی، می‌توانند در افزایش سطح حمایت‌های اجتماعی علیه خشونت جنسی و حمایت از قربانیان در دسترسی به عدالت و غرامت در درگیری مسلحانه و شرایط پس از درگیری ایفا کنند، تاکید می‌کند؛

۲۲. از دبیرکل درخواست می‌کند تا همچنان گزارش‌های سالانه خود را درباره اجرای قطعنامه‌های مربوط به زنان و صلح و امنیت و قطعنامه حاضر را به شورا ارائه و گزارش بعدی خود را تا مارس ۲۰۱۴ ارائه کند؛

۲۳. تصمیم می‌گیرد تا توجه فعال خود به موضوع حفظ کند.

فدراسیون بین‌المللی جامعه‌های حقوق بشر

ناشنوده، به حساب نیامده:

پیش به سوی پاسخ‌گویی در مورد خشونت جنسی و
جنسیتی در دادگاه بین‌المللی جزایی و فراتر از آن

اقتباس و ترجمه: خلیل رستم‌خانی

مقدمه^۱

«صدمه‌ای که به قربانیان وارد شده، فراتر از صدمه به جسم و روان آنهاست، زیرا آنها در جستجوی سرپناه امن به کوهستان‌ها فرار کرده بودند، ولی پس از بازگشت به خانه‌هایشان تمام دارایی‌شان از دست رفته بود، جامعه‌شان دچار تغییر غیرقابل بازگشتی شده بود؛ خانه‌های‌شان ویران و احشام آنها کشته شده بودند. زنان قربانی به بردگی درآمدند؛ آنها آزادی خود را از دست دادند و زیر کنترل و سلطه دائمی سربازان قرار گرفتند. آنها مجبور شدند به نوبت آشپزی کنند، لباس‌های سربازان را بشویند و بارها مورد تجاوز قرار گرفتند که باعث صدمه روانی آشکاری شد.»

سرقاضی یاسمین باریوز، پرونده سپور زارکو، دادگاه خطر زیاد «آ» (گوآتمالا)، ۲۶ مارچ ۲۰۱۶^۲

«پاسخ‌گویی در مورد جنایات‌های جنسی و جنسیتی - که ممکن است نسل‌کشی به حساب آیند - جنایات‌های ضد بشریت و جنایات‌های جنگی عناصر اساسی بازگرداندن حقوق قربانیان و بازسازی جوامع است. اقدام

۱. این گزارش چکیده‌ای از گزارش فدراسیون بین‌المللی جامعه‌های حقوق بشر (FIDH) با عنوان اصلی Unheard, Unaccounted: Towards Accountability for Sexual and Gender-Based Violence at the ICC and Beyond

است.

2. Presiding Judge Yasmin Barrios, Sepur Zarco Case, High Risk "A" Tribunal (Guatemala)

سازمان‌های غیردولتی و جامعه مدنی ضرورت اساسی دارد.»

دیمیتریس کریستوپولوس، رئیس فدراسیون بین‌المللی جامعه‌های حقوق بشر^۳

«قربانیان این جنایت‌های ویرانگر نه از گفته‌ها و وعده‌های ما بلکه از نتایج مشخصی که ما ارائه کنیم تسلی خواهند یافت.»

فاتو بن سودا، دادستان کل دادگاه بین‌المللی جزایی، ۹ دسامبر ۲۰۱۴^۴

در سال ۲۰۱۳، یک دادگاه ملی گواتمالا رئیس جمهور پیشین افرن ریوس مانت^۵ را به‌خاطر نسل‌کشی قوم مایا، با تعیین تجاوز به عنوان بخشی جدایی‌ناپذیر از این جنایت، محکوم کرد. سه سال بعد، همان دادگاه گواتمالا دو افسر ارتش را به‌خاطر بردگی جنسی زنان بومی پس از ناپدید کردن قهری همسران آنها مقصر شناخت. در تاریخ ۲۷ آوریل ۲۰۱۷، دادگاه فوق‌العاده آفریقا در سنگال در مرحله تجدید نظر حسن‌هابره،^۶ رئیس جمهور پیشین چاد را به‌خاطر جنایت، از جمله خشونت گسترده جنسی در رژیم او، به حبس ابد محکوم کرد.

این دستاوردهای عدالت در سال‌های اخیر موفقیت‌هایی برای قربانیان خشونت جنسی و جنسیتی به شمار می‌روند که به سختی به دست آمده‌اند: مدرک عزم غیرقابل انکار بازماندگان، خانواده‌های آنها، جوامع محلی و وکلای آنها. این پیروزی‌های حقوقی نوید تغییرات گسترده‌ای در تشخیص جنایت‌های خشونت جنسی و جنسیتی در سطح بین‌المللی و تمایل دادستان‌های ملی و بین‌المللی برای رسیدگی به مواردی را می‌دهد که در گذشته به حاشیه رانده شده یا نادیده گرفته شده‌اند. این موفقیت‌ها بر چندین دهه تلاش‌های قاطع و درس‌هایی بنا شده که دادستان‌ها و تحقیق‌کنندگان دادگاه‌های ملی یا بین‌المللی از جمله دادگاه بین‌المللی

یوگسلاوی سابق، دادگاه بین‌المللی رواندا و دادگاه ویژه سیرالئون آموخته‌اند.

با وجود این، مبارزه برای پاسخ‌گویی در مورد خشونت جنسی و جنسیتی به هیچ وجه پایان نیافته است. تیرئه اخیر ژان پی بمبا^۷ در شعبه تجدیدنظر دادگاه بین‌المللی جزایی، پس از آن که شعبه نخست دادگاه او را به‌خاطر تجاوز به عنوان جنایت جنگی و جنایت ضد بشریت محکوم کرده بود، یکی از نمونه‌ها است. در مقابل هر موفقیت قضایی، شمار نامعلومی از قربانیان خشونت‌های جنسی و جنسیتی بدون دسترسی به جبران باقی می‌مانند. حتی زمانی که یکی از طرف‌های مسئول جنایت محکوم می‌شود، بازماندگان اغلب غرامت یا امداد دریافت نمی‌کنند.

اساسنامه دادگاه بین‌المللی جزایی مقررات محکمی را برای پیگیری عدالت جنسیتی در سطوح شکلی، محتوایی و نهادی با هدف مبارزه با خشونت‌های جنسی و جنسیتی در سطح بین‌المللی دربر می‌گیرد. کشورهای عضو اساسنامه دادگاه بین‌المللی جزایی باید این مقررات را در قوانین داخلی خود بگنجانند و به اجرا بگذارند. این کار پیام نیرومندی به بازیگران ملی در مورد فاحش بودن چنین جنایت‌هایی خواهد داد و به‌طور آشکار فرصت‌های لازم برای تحقیق، پیگرد و جلوگیری از این جنایت‌ها را در سطوح ملی و بین‌المللی در آینده فراهم خواهد کرد. اما، به اجرا درآمدن مقررات مربوط به خشونت‌های جنسی و جنسیتی در دادگاه بین‌المللی جزایی تاکنون قابل پیش‌بینی نبوده است و بسیاری از قربانیان در موارد مورد تحقیق در دادگاه ناامید شده‌اند. توانایی دادگاه بین‌المللی جزایی برای ایفای نقش جدی و برجسته در مبارزه با معافیت از مجازات در مورد چنین جنایت‌هایی و فراهم کردن امکان دستیابی به عدالت و غرامت برای قربانیان و جلوگیری از چنین جنایت‌هایی باید تقویت شود. دادگاه بین‌المللی جزایی در حال حاضر افرادی را به اتهام‌هایی از جمله تجاوز، بردگی جنسی، ازدواج اجباری و خشونت جنسی علیه کودک سربازان مورد پیگرد قرار داده است.

در سطح ملی، قربانیان خشونت‌های جنسی و جنسیتی با مشکلات خاصی در راه دست یافتن به عدالت روبرو هستند، از جمله مشکلات ادامه‌دار مربوط به ننگ

7. Jean-Pierre Bemba

3. Dimitris Christopoulos, FIDH President

4. Prosecutor Fatou Bensouda, Chief Prosecutor of the International Criminal Court

5. Efraín Ríos Montt

6. Hissène Habré

و بدنامی، دانش محدود کارشناسی در بخش قضایی، فقدان مقررات مربوط به جرم‌انگاری جنایت‌های جنسی و جنسیتی در قانون‌های مجازات ملی، نبود اقدام‌های کافی حمایتی. ارائه امکانات جبرانی جامع به بازماندگان خشونت‌های جنسی و جنسیتی چالشی است که هنوز در همه سطوح باقی است.

به علاوه، در شمار قابل توجهی از بحث‌های مربوط به خشونت‌های جنسی و جنسیتی در سطوح ملی منطقه‌ای و بین‌المللی هنوز پیش داوری‌ها و تصورات اشتباه عمیقی به چشم می‌خورد. بعضی از مسئولان از هم اکنون پس از فقط چند مورد تحقیقات ظاهراً از مسائل مربوط به خشونت‌های جنسی و جنسیتی «خسته» به نظر می‌رسند یا هنوز این خشونت‌ها را «مسئله زنان» یا جرم «کوچک» و/یا پیگرد آنها را دشوار تلقی می‌کنند. قرار دادن تحقیقات در مورد خشونت جنسی و جنسیتی از موقعیت حاشیه‌ای در موضع محوری در کنار دیگر جرائم هنوز با مانع روبه رو است. تحلیل جنسیتی باید در همه سطوح در ردیف مسائل اصلی قرار گیرد.

با مشاهده این تناقض‌های آشکار - پیشرفت‌های آشکار مهم در زمینه پاسخ‌گویی برای خشونت‌های جنسی و جنسیتی از یک طرف و ادامه مقاومت دیرینه از طرف دیگر - فدراسیون بین‌المللی جامعه‌های حقوق بشر تصمیم گرفت پروژه‌ای را برای بررسی این وضعیت متناقض آغاز کند. چگونه می‌توان دادگاه بین‌المللی جزایی و دادگاه‌های ملی را تقویت کرد تا موثرترین نوع توجه به پاسخ‌گویی برای خشونت‌های جنسی و جنسیتی به دست آید؟

هدف از این گزارش بررسی پسرقت‌ها و نیز موفقیت‌های گذشته و اخیر به منظور درک تأثیر موانع تکراری در مقابل دسترسی قربانیان خشونت‌های جنسی و جنسیتی به عدالت و درس‌های این موانع و نیز شناسایی موانع در سطوح داخلی و بین‌المللی به منظور افزایش پاسخ‌گویی در آینده است.

زمینه فعالیت فدراسیون

یکی از اهداف اساسی فدراسیون بین‌المللی جامعه‌های حقوق بشر پیشبرد عدالت بین‌المللی و مبارزه با معافیت از مجازات در مورد جنایت‌های مهم بین‌المللی، از

جمله نسل‌کشی، جنایت‌های ضد بشریت و جنایت‌های جنگی است. فدراسیون و سازمان‌های عضو آن جرائم را ثبت می‌کنند، به قربانیان در نظام‌های دادگستری ملی و بین‌المللی کمک می‌رسانند و برای تصویب و اجرای رویه‌های سازوکارهای قضایی مستقل دادخواهی می‌کنند.

روش اجرای این پروژه

در این گزارش روش‌های افزایش پاسخ‌گویی در مورد خشونت‌های جنسی و جنسیتی در دادگاه بین‌المللی جزایی و فراتر از آن، از طریق ارزیابی تلاش‌های این دادگاه و جامعه مدنی در پیگیری عدالت برای قربانیان این جنایت‌ها، بررسی می‌شود. گزارش بر تحلیل رشته گفتگوهای جامع و نیمه سازمان یافته‌ای با ۴۲ فعال و کارشناس (از این پس " مشارکت‌کنندگان") در این زمینه از پنج قاره، از جمله کارکنان دادگاه بین‌المللی جزایی، نمایندگان جامعه مدنی، دانشگاهیان و کارشناسان ملی و بین‌المللی بنا شده است. پژوهش‌ها از جون تا نوامبر ۲۰۱۶ انجام شده است.

گفتگوها در نگارش مقاله توضیح مفاهیم و برنامه مباحثه در نشست کارشناسان بلندپایه، که در تاریخ ۸-۷ نوامبر ۲۰۱۶ در لاهه (دن‌هاگ) برگزار شد، به کار گرفته شد. نُه تن از افراد اولیه طرف گفتگو و ۱۳ کارشناس دیگر در این نشست شرکت کردند. این نشست فعالانی از دادگاه بین‌المللی جزایی و صلاحیت‌های ملی، نمایندگان سازمان‌های غیردولتی ملی و بین‌المللی را به منظور افزایش آگاهی و درک فعالیت‌های یکدیگر و تسهیل همکاری در جهت رفع موانع تکراری در مقابل پاسخ‌گویی به خاطر خشونت‌های جنسی و جنسیتی گرد هم آورد.

بحث‌ها در نشست کارشناسی گرد سه موضوع پایه‌ای پژوهش انجام شد:

- ۱- پاسخ‌گویی برای خشونت‌های جنسی و جنسیتی در دادگاه بین‌المللی جزایی
- ۲- رابطه بین دادگاه بین‌المللی جزایی و جامعه مدنی
- ۳- راه‌های دیگر برای دستیابی به پاسخ‌گویی در مورد جنایت‌های مربوط به

۱. پاسخ‌گویی برای خشونت‌های جنسی و جنسیتی در دادگاه بین‌المللی جزایی

در زمان تصویب اساسنامه دادگاه بین‌المللی جزایی در جولای ۱۹۹۸ در ژنوا، این اساسنامه به عنوان الگویی برای عدالت جنسیتی ارائه شد. دادخواهی پایدار «مجمع زنان طرفدار عدالت جنسیتی»^۸ که سازمان‌های فمینیستی و مدافع حقوق زنان را گرد هم آورده بود و سازمان‌های حقوق بشری پیش از کنفرانس ژنوا و طی آن باعث شد که اساسنامه و سندهای پایه‌ای آن به بسیاری از مشکلات مربوط به ارائه دلیل و مدرک توجه کنند. این مشکلات کار دادگاه‌های موقت و بسیاری از نظام‌های حقوقی ملی در شرایط پسا درگیری را مختل کرده بودند.

اساسنامه و سندهای همراه آن گسترده‌ترین طیف جنایت‌های جنسی و جنسیتی در تاریخ حقوق بین‌المللی و شماری دیگر از اصول مربوط به عدالت جنسیتی را در بر می‌گیرند. از جمله این اصول عبارت هستند از "تناسب عادلانه" جنسیتی در انتخاب قاضی‌ها، تعیین مشاور ویژه برای دادستان در مورد خشونت جنسی و جنسیتی، حمایت روشی از شاهدان و قربانیان با توجه به جنسیت و نیز برخورداری از کارشناسی مربوط به صدمه روانی ناشی از خشونت جنسی در بخش قربانیان و شاهدان، تعهد به انجام اقدامات حساس به جنسیت با هدف مشارکت فراگیر قربانیان و شاهدان در دادرسی‌ها، و گنجاندن مقررات ویژه آیین‌نامه و مدارک برای حمایت از قربانیان خشونت جنسی.

با وجود این از چشم‌انداز دادگاه بین‌المللی جزایی برای پاسخ‌گو کردن مرتکبان جرایم مربوط به خشونت‌های جنسی و جنسیتی ظرف پنج سال نخست از آغاز کار آن کاسته شد. امروز یعنی بیست سال پس از تصویب اساسنامه دادگاه بین‌المللی جزایی، حتی یک مورد موفق از محکومیت مربوط به جنایت‌های جنسی و جنسیتی در این دادگاه به دست نیامده است

تعریف جنایت‌های جنسی و جنسیتی

با وجود اینکه تعریف همه جانبه و جا افتاده‌ای از جنایت‌های جنسی و جنسیتی وجود ندارد، دادستانی دادگاه بین‌المللی جزایی تعریف‌های زیر را در سند ختامی سال ۲۰۱۴ ارائه می‌کند:

«جنایت‌های جنسی»: جنایت‌های جنسی که در صلاحیت دادگاه بین‌المللی جزایی قرار می‌گیرند در ماده ۷ و ۸ اساسنامه ذکر شده‌اند و در بخش عناصر جنایت شرح آنها آمده است. در مورد "تجاوز"، "فحشای اجباری" و "خشونت جنسی"، مرتکب باید اقدامی جنسی را علیه یک شخص انجام داده باشد یا باعث انجام آن به وسیله شخصی دیگر با استفاده از زور یا تهدید به استفاده از خشونت... یا با استفاده از شرایط سرکوبگرانه یا ناتوانی یک فرد از اعلام رضایت واقعی، شده باشد. اقدامی با ماهیت جنسی محدود به خشونت جسمی نیست و ممکن است شامل تماس جنسی نباشد، مثل اجبار به برهنگی. بنابراین، جرائم جنسی اقدام‌های جسمی و غیر جسمی جنسی را در بر می‌گیرند.

جنایت‌های جنسیتی: این جنایت‌ها علیه اشخاص، چه زن و چه مرد، به‌خاطر جنس آنها و یا نقش جنسیتی اجتماعی یا تصویری آنها انجام می‌شود. این جرایم همیشه شکل خشونت جنسی به خود نمی‌گیرند و ممکن است به شکل حمله‌های غیر جنسی به زنان و دختران و مردان و پسران به‌خاطر جنسیت آنها باشد.»

جنایت‌های جنسی و جنسیتی را می‌توان همچنین بر اساس اتهام‌های دیگر مثل شکنجه (ماده ۷ اساسنامه دادگاه)، شکنجه یا رفتار غیر انسانی (ماده ۸ اساسنامه)، آزار و اذیت (ماده ۷)، هتک حرمت شخصی (ماده ۸)، اقدام‌های غیرانسانی دیگر (ماده ۷)، مثله کردن (ماده ۸) یا (صدمه روانی ماده ۶) مورد پیگرد قرار داد.

سیاست‌ها و استراتژی‌های تازه دادستانی دادگاه در مورد خشونت‌های جنسی و جنسیتی

در سال‌های اخیر، دادستانی دادگاه گام‌هایی را برای بهتر کردن استراتژی خود در مورد پاسخ‌گویی برای خشونت‌های جنسی و جنسیتی و توجه به ناکامی‌های قبلی خود برداشته است.

یکی از نخستین اقدام‌های دادستان کنونی، فاتو بنسودا، تصویب سند خطامشی در مورد جنایت‌های جنسی و جنسیتی در جون ۲۰۱۴ بود که تعهدی واقعی در دادن اولویت به خشونت‌های مربوطه را به نمایش گذاشت. علاوه بر این، این خطامشی بعضاً از طریق فرایندی مشورتی با شرکت سازمان‌های جامعه مدنی از جمله فدراسیون بین‌المللی جامعه‌های حقوق بشر تدوین شد که امکان بسیار ضروری برای ارائه نظریات در مورد تاریخچه مربوط به خشونت‌های جنسی و جنسیتی به دادستانی را فراهم کرد. دادستانی با تأکید بر جنایت‌های جنسی و جنسیتی در برنامه استراتژیک ۲۰۱۸-۲۰۱۶ و در سند خطامشی انتخاب پرونده و تعیین اولویت در سپتامبر ۲۰۱۶ تعهد عمومی خود را برای اطمینان‌یابی از قراردادن خشونت‌های جنسی و جنسیتی در محور فعالیت‌ها تکرار کرده است.

خطامشی دادستانی در مورد جنایت‌های جنسی و جنسیتی

خطامشی جنایت‌های جنسی و جنسیتی تعهد دادستانی را به مقابله با پرده افکنی بر خشونت‌های جنسی و جنسیتی از طریق شماری از اقدام‌های عملیاتی در تمام مراحل کار مقرر کرده است. این کار با درپیش گرفتن رهیافت حساس به قربانی و در بر گرفتن چشم‌انداز و تحلیل جنسیتی از آغاز تحقیقات مقدماتی و تحقیقات بعدی، پیگردها و تجدید نظرها انجام می‌شود.

تحقیقات الزامی در مورد خشونت‌های جنسی و جنسیتی در همه جا و همه موارد ناشی از خطامشی مربوط به جنایت‌های جنسی و جنسیتی و الزام گزارش دادن هرگونه تخطی از این وظیفه به دادستانی ناشی می‌شد. این تعهد برای تحقیقات در مورد ارتکاب احتمالی خشونت‌های جنسی و جنسیتی، تشخیص دادستانی در مورد

وقوع این جنایت‌ها در زمان درگیری یا در شرایط نقض گسترده حقوق بشر را نشان می‌دهد، حتی اگر همه موارد مربوط به این خشونت‌ها گزارش نشود و یا در سطح داخلی از اولویت برخوردار نباشد.

تحول دوم ایجاد امکان تحلیل جنسیتی بود که از زمان تصویب آن در آگوست ۲۰۱۶ هنوز در مراحل اولیه اجرا قرار دارد. این ابزار "سندی زنده" است که رهنمودهای مربوط به نظم دادن به جمع‌آوری اطلاعات تحلیل و ارائه گزارش درباره آنها در شرایط خاص و جنایت‌های اتهامی را در بر می‌گیرد.

تحول سوم استخدام کارکنان بیشتر با تجربه و دانش کارشناسی در زمینه خشونت‌های جنسی و جنسیتی و آموزش به آنها است

ایجاد فضای امن برای قربانیان و شاهدان

قربانیان خشونت‌های جنسی و جنسیتی در گزارش‌دهی در مورد این جنایت‌ها با مانع‌های اساسی روبرو هستند. همسر، خانواده یا جامعه ممکن است آنها را طرد کنند. آنها ممکن است نتوانند ازدواج یا دوباره ازدواج کنند به این دلیل که "فاسد" تلقی شوند. علاوه بر پیامدهای جسمی و روانی جنایت‌ها، بدنامی تأثیر عمیقی بر زندگی اجتماعی و اقتصادی آنها می‌گذارد. آنها ممکن است از انتقام‌جویی، رفتار منفی گیرندگان شکایت‌شان و به‌طور کلی رویارویی با نظام عدلی بترسند. قربانیان خشونت‌های جنسی و جنسیتی به این دلایل در گزارش‌دهی در مورد این جنایت‌ها یا سخن گفتن با تحقیق‌کنندگان با مانع‌های اضافی روبرو هستند. این از دلایلی است که آشکار شدن قربانیان خشونت‌های جنسی و جنسیتی اغلب بسیار دیرتر از قربانیان مربوط به دیگر جنایت‌ها رخ می‌دهد، زیرا بدنامی همراه با این جنایت‌ها در بسیاری از جوامع ادامه می‌یابد.

خطر کودک‌انگاری قربانیان خشونت‌های جنسی و جنسیتی

تشخیص تأثیر بدنامی و صدمه روانی مرتبط با خشونت جنسی مهم است، اما

این خطر نیز وجود دارد که قربانیان این خشونت‌ها کودک انگاشته شوند یا با آنها پدرسالارانه رفتار شود.

قابل تاکید است که باید به مسئله جنسیتی در ترکیب تیم‌های مواجهه با قربانیان و شاهدان، به‌ویژه در محل، توجه شود. این موضوع باید با در نظر گرفتن جنسیت اعضای تیم میدانی، مثل تحقیق‌کنندگان دادستانی، مشاوران حقوقی و وکلای مدافع نیز مورد توجه قرار گیرد. اما نباید به‌طور اتوماتیک فرض کرد که زنان قربانی خشونت‌های جنسی و جنسیتی فقط مایل به گفتگو با اعضای زن تیم‌ها و مردان قربانی مایل به گفتگو با اعضای مرد تیم‌ها خواهند بود. موضوع را باید مورد به مورد ارزیابی کرد و از قربانیان و شاهدان پرسید با چه کسی راحت‌تر گفتگو می‌کنند.

تیم‌های تحقیق‌کننده نیز نمی‌توانند به یکی دو تحقیق‌کننده برای گفتگو با همه شاهدان درباره خشونت‌های جنسی و جنسیتی اتکا کنند. آشکار است که قربانیان این خشونت‌ها، شاهد یا قربانی جنایت‌های دیگری نیز هستند. وقتی قربانیان اشاره‌ای به خشونت‌های جنسی و جنسیتی نمی‌کنند، این بدان معنا نیست که آنها قربانی این خشونت‌ها نیستند. توجه به ترکیب تیم‌ها شامل کارکنان حمایتی، مثل مترجمان، نیز می‌شود...

درک زبان و حرکت‌های بدنی قربانی مهم است. قربانیان خشونت‌های جنسی و جنسیتی همیشه به روشنی درباره این خشونت‌ها سخن نمی‌گویند. برای نمونه، قربانی‌ها ممکن است از استعاره‌هایی مثل «او با من دراز کشید» یا «آنها مرا به یک زن تبدیل کردند» یا «وقتی کارشان با من تمام شد» استفاده کنند...

نتیجه‌گیری این بخش

اساسنامه دادگاه بین‌المللی جزایی فرصت‌های بی‌نظیری برای تحقیق و پیگرد خشونت‌های جنسی و جنسیتی، به‌ویژه به‌عنوان جنایت‌های ضد بشریت و جنایت‌های جنگی فراهم کرده است. اما این دادگاه در سال‌های نخست خود موفق به اجرای تمامی این مقررات و برآورده کردن انتظارات نشد. استراتژی‌های مربوط به خشونت‌های جنسی و جنسیتی در تحقیقات به صورت یکسان به اجرا در نیامد

و منجر به محدودیت در اتهام‌های مربوط به خشونت‌ها شد که همیشه مورد تایید نبود. علاوه بر این، تیرئه متهمان باعث شد که قربانیان خشونت‌های جنسی و جنسیتی بدون دستیابی به عدالت یا غرامت بمانند.

علاوه بر این، فراتر از دادستانی دادگاه، رهیافتی سراسری در این دادگاه برای تقویت دانش کارشناسی، ظرفیت و استراتژی‌های مربوط به خشونت‌های جنسی و جنسیتی، به‌ویژه در مورد قربانیان و نقش و حمایت شاهدان ضروری است تا آنها در دادگاه بین‌المللی جزایی بهتر به حقوق خود دست یابند. این پژوهش فدراسیون بین‌المللی جامعه‌های حقوق بشر نشان می‌دهد که قرار گرفتن افراد مناسب در موقعیت‌های درست و در زمان مناسب، به همراه سطح متناسب اختیار و ارشدیت، برای پیشبرد تغییرات لازم به منظور افزایش ظرفیت دادگاه در زمینه خشونت‌های جنسی و جنسیتی ضروری است.

امکانات چارچوب حقوقی اساسنامه رُم، مقررات آیین‌نامه و ارائه مدارک، تشخیص استراتژیک خشونت‌های جنسی و جنسیتی در سند خطامشی دادستانی به خودی خود برای تغییر فرهنگ یا ظرفیت کلیت این نهاد در رسیدگی به خشونت‌های جنسی و جنسیتی در عمل کافی نیستند. دادگاه باید در سراسر این نهاد خطامشی‌ای در مورد خشونت‌های جنسی و جنسیتی در پیش بگیرد، سیاست‌های خود را به اجرا بگذارد و به نیازهای قربانیان برای دسترسی به عدالت و غرامت واکنش کافی و موثر نشان دهد.

۲. رابطه بین دادگاه بین‌المللی جزایی و جامعه مدنی

جامعه مدنی در ایجاد دادگاه بین‌المللی جزایی از زمان مذاکرات درباره اساسنامه این دادگاه نقش اساسی بازی کرده است. جامعه مدنی هم چنین در مبارزه علیه معافیت از مجازات در مورد خشونت‌های جنسی و جنسیتی و در حمایت از قربانیان این جنایت‌ها در سراسر جهان نقشی برجسته بازی می‌کند و تأثیری مهم بر صلاحیت دادگاه و فعالیت‌های دادخواهی و پشتیبانی عملی گذاشته است. همچنان که پیشتر گفته شد، دادخواهی «مجمع زنان طرفدار عدالت جنسیتی» و نیز دیگر سازمان‌های حقوق بشری به گنجاندن مقررات مترقی در زمینه عدالت جنسیتی در عهدنامه‌های بنیانگذاری دادگاه‌های بین‌المللی جزایی کمک کرد. اگر سازمان‌های غیر دولتی توانسته‌اند چنین تأثیر مثبتی بر فعالیت دادگاه بگذارند، این موضوع همچنین به این دلیل است که دادگاه امکان این همکاری را فراهم کرده است.

با وجود این، دادگاه بین‌المللی جزایی و سازمان‌های غیردولتی وظایف و اهداف، رهیافت‌ها و محدودیت‌های متفاوتی دارند که می‌تواند منجر به نوعی گسست شود و سوء تفاهم‌هایی ایجاد کند که بر موثر بودن مبارزه با معافیت از مجازات در مورد جرائم بین‌المللی، از جمله خشونت‌های جنسی و جنسیتی، تأثیر بگذارد.

درک محدودیت‌های هر طرف در زمینه رازداری و رعایت آنها

سازمان‌های جامعه مدنی اغلب نخستین مرجع تماس قربانیان هستند. بنابراین، این سازمان‌ها نقطه ورود مهمی برای دادگاه بین‌المللی جزایی در طیفی از موضوع‌های مختلف به شمار می‌روند.

اما یکی از مهم‌ترین زمینه‌های همکاری بین دادگاه بین‌المللی جزایی و جامعه مدنی به شناسایی افرادی مربوط می‌شود که موضوع جرائم زیر صلاحیت دادگاه‌ها هستند. این رابطه نه تنها برای دادستانی، بلکه برای دفتر ثبت و شعبه‌های دادگاه اساسی است. جامعه مدنی نقش اساسی در فراهم کردن دسترسی به شاهدان احتمالی دارد که می‌توانند در زمینه‌های ضروری و مربوط به تحقیقات دادستانی شهادت بدهند. جامعه مدنی همچنین می‌تواند در شناسایی قربانیان به منظور

شرکت آنها در فرآیند دادگاه کمک کند.

اما این رابطه می‌تواند به علت نداشتن درک هر طرف از محدودیت‌های برقراری ارتباط باز با طرف دیگر در مورد اطلاعات حساس دچار مشکل شود. مشارکت‌کنندگانی از دادگاه بین‌المللی جزایی از بی‌میلی سازمان‌های جامعه مدنی برای ارائه مدارک مشخص و مرتبط با تحقیقات آنها، به‌ویژه مدارک مربوط به خشونت‌های جنسی و جنسیتی، ابراز استیصال کرده‌اند. از سوی دیگر، مشارکت‌کنندگانی از جامعه مدنی از این نگران بودند که فراهم کردن دسترسی به اطلاعات محرمانه به دادگاه می‌تواند آنها و قربانیان در تماس با آنها را با خطر جدی مواجه کند. آنها احساس می‌کنند که دادگاه بین‌المللی جزایی همواره توجه کافی به این موضوع نشان نمی‌دهد.

از سوی دیگر، سازمان‌های جامعه مدنی، به‌ویژه آنهایی که در محل مستقر هستند و کمتر ارتباط مستقیم با دادگاه دارند، اغلب از دادگاه اطلاعات مشروحی درباره پیشرفت کار درخواست می‌کنند، برای مثال درباره اینکه تحقیقات اولیه درباره‌ی چه کسانی انجام می‌شود یا حکم دستگیری چه زمانی صادر خواهد شد و انتشار چنین اطلاعاتی می‌تواند عملیات دادستانی را به خطر بیندازد.

تشخیص وظایف متفاوت دادگاه بین‌المللی جزایی و سازمان‌های جامعه مدنی

یکی از عوامل مهم در ایجاد اشکال این است که دو طرف یعنی دادگاه و سازمان‌های جامعه مدنی درک کاملی از وظایف متفاوت طرفین ندارند. به نظر آشنایان به موضوع، پیشینه حرفه‌ای کارکنان مهم است. نکته در اینجاست که همه کسانی که برای دادگاه کار می‌کنند با جامعه مدنی آشنایی ندارند و الزاماً درک نمی‌کنند که با چه کسانی در این سازمان‌ها سر و کار دارند یا نحوه کار آنها چگونه است. این وضع باعث تفاوت‌ها و نبود رویه یکسان بین کارکنان دادگاه است که به محلی می‌روند. البته جامعه مدنی نیز گروه یکدست و هماهنگی نیست و همه سازمان‌های آن رهیافت مشابهی نسبت به دادگاه یا فعالیت آن در محل ندارند.

محدودیت‌های ناشی از استراتژی دادستانی

سال‌های نخست دادگاه بین‌المللی جزایی شاهد خطمشی محدود دادستانی، از جمله در زمینه انتخاب پرونده‌ها و کنار گذاشتن خشونت‌های جنسی و جنسیتی از تحقیقات و دادرسی‌ها، و تبادل ارتباط درباره این گزینه‌های دادستانی بود. بسیاری از سازمان‌های غیردولتی و سازمان‌های قربانیان از این کاستی‌ها و نبود جبران برای قربانیان جنایت‌های بین‌المللی از جمله جنایت‌های جنسی و جنسیتی انتقاد کردند.

تناقض قابل توجهی بین اهداف دوگانه ارائه عدالت به قربانیان از یک طرف و تدوین پرونده‌ای که در محاکمه به موفقیت برسد و در تجدید نظر تأیید شود از طرف دیگر، وجود دارد. نمایندگانی از دادگاه می‌گویند ارائه محکمترین مدارک برای داشتن بهترین امکان دستیابی به محکومیت و ملاحظات استراتژیک در مورد تصمیم به تعقیب کردن یا تعقیب نکردن بعضی از متهمان یا طرح بعضی از اتهام‌ها یا طرح نکردن بعضی دیگر مهم است.

تشخیص بسیاری این است که دادگاه بین‌المللی جزایی می‌تواند فقط چند تن از مرتکبان را مورد پیگرد قرار دهد، اما پرونده‌ها و اتهام‌ها باید واقعیت انواع متفاوت جنایت‌های ارتكابی، از جمله جنایت‌های جنسی و جنسیتی را بازتاب دهند. سند خطمشی دادستانی درباره انتخاب پرونده و تعیین اولویت که در سپتامبر ۲۰۱۶ تصویب شد، اهمیت انتخاب پرونده‌ها و متهمان را که نماینده درگیری مورد نظر باشد و نیز حفظ تماس مداوم و مستقیم با قربانیان و سازمان‌های قربانیان را در تمام مراحل فعالیت‌های دادستانی تشخیص می‌دهد.

حمایت دادگاه بین‌المللی جزایی و جامعه مدنی از قربانیان و شاهدان

به نظر سازمان‌های غیردولتی، ارگان‌های مختلف دادگاه بین‌المللی جزایی در تماس مناسب با قربانیان و شاهدان و حمایت از آنها ضعیف هستند و بیش از حد بر سازمان‌های غیردولتی برای غلبه بر کاستی‌های خود تکیه می‌کنند.

مشارکت و غرامت

سازمان‌های غیر دولتی که نقطه نخست تماس قربانیان هستند از دفتر ثبت دادگاه بین‌المللی جزایی برای دسترسی به قربانیان شایسته مشارکت در دادرسی‌های دادگاه و دریافت غرامت حمایت کرده‌اند.

آنها به قربانیان حقوق آنها را در دادگاه بین‌المللی جزایی توضیح داده‌اند و به آنها در پر کردن فرم‌های درخواست برای مشارکت در دادرسی‌های دادگاه بین‌المللی جزایی و درخواست غرامت کمک کرده‌اند.

حمایت و پشتیبانی

بر اساس اساسنامه دادگاه بین‌المللی جزایی، این دادگاه وظیفه دارد تا از سلامت جسمی و روانی قربانیان و شاهدان محافظت کافی به عمل بیاورد. اما دادگاه تاکنون رهیافتی محدود و غیر کلی به وظیفه محافظت خود داشته است که منجر به فعالیت بیشتر سازمان‌های غیردولتی در این زمینه شده است.

به نظر دادستانی، ظرفیت حمایت روانی اجتماعی آن برای ارزیابی روانی - اجتماعی افراد مورد مصاحبه و احتمالاً آسیب پذیر محدود است تا بتواند تعیین کند که آیا این افراد برای شرکت در فرایند مصاحبه بیش از اندازه آسیب دیده‌اند یا خیر. اما هر حمایت و پیگیری بلندمدت منوط به ارجاع از بیرون است که اغلب گروه‌های محلی جامعه مدنی این کار را انجام می‌دهند و چنین حمایتی ممکن است موجود باشد یا نباشد.

به نظر بعضی از سازمان‌های غیر دولتی، دادگاه وظیفه خود برای محافظت از امنیت و سلامت جسمانی قربانیان و شاهدان را انجام نمی‌دهد. در حقیقت از نظر دادگاه فقط قربانیان و شاهدان در خطر ناشی از شهادت در دادگاه می‌توانند از حمایت‌های پیشرفته‌ای مثل اسکان دوباره بهره‌مند شوند. بنابراین سازمان‌های غیردولتی ممکن است مجبور باشند از قربانیان و شاهدان در خطر به دلایل دیگری به جز شهادت مستقیم آنها محافظت کنند.

اطلاع‌رسانی

به نظر سازمان‌های غیردولتی اطلاع‌رسانی دادگاه ناکافی و در نتیجه گاهی ناموثر است. آنها می‌گویند دادگاه بیش از اندازه به جامعه مدنی برای تشریح و تبلیغ فعالیت خود اتکا می‌کند.

این مسئله منحصر به دادگاه بین‌المللی جزایی نیست. در بعضی از دادرسی‌های کیفری محلی نیز برای انتشار اطلاعات درباره نتایج محاکمه‌ها یا امکان مشارکت در دادرسی‌ها به جامعه مدنی اتکا می‌شود.

درخواست‌های همکاری

دادگاه بین‌المللی جزایی به شدت به روابط کارکردی با جامعه مدنی در کشورهای محل فعالیت متکی است. با وجود این، این رابطه گاهی یک جانبه به نظر می‌رسد و گروه‌های جامعه مدنی احساس می‌کنند "مورد استفاده" دادگاه قرار می‌گیرند.

همچنین گفته می‌شود که مهلت کافی در درخواست‌های همکاری از طرف دادگاه در نظر گرفته نمی‌شود یا وظایف عملی بدون در نظر گرفتن وظایف مستقل جامعه مدنی به آنها ارجاع می‌شود.

نتیجه‌گیری این بخش

رابطه بین دادگاه بین‌المللی جزایی و سازمان‌های جامعه مدنی محکم و در پهنه صلاحیت‌های قضایی بین‌المللی یگانه است. این رابطه امکانات بی‌سابقه‌ای برای جامعه مدنی در زمینه تأثیرگذاری بر فعالیت‌های دادگاه و شنیده شدن صدای قربانیان در دادرسی‌های دادگاه بین‌المللی جزایی فراهم می‌کند. سازمان‌های جامعه مدنی می‌توانند در برقراری ارتباط بین دادگاه بین‌المللی جزایی که گاهی به عنوان نهادی در دوردست دیده می‌شود، با قربانیان و مردم محلی موثر باشند.

اما دادگاه بین‌المللی جزایی در مبارزه جهانی علیه معافیت از مجازات در حد گسترده‌ای به جامعه مدنی اتکا می‌کند و از جامعه مدنی انتظار دارد در وظایف

مختلفی مشارکت کند که به‌طور عادی در حیطه وظایف دادگاه قرار می‌گیرد. بعضی از سازمان‌های جامعه مدنی احساس می‌کنند که مورد استفاده ابزاری دادگاه بین‌المللی جزایی قرار می‌گیرند بدون اینکه از حمایت لازم یا قدردانی برخوردار شوند. کارکنان دادگاه بین‌المللی جزایی از مشکلات موجود در همکاری با جامعه مدنی اظهار نارضایتی شدید می‌کنند.

بخشی از گسست بین دادگاه بین‌المللی جزایی و جامعه مدنی ممکن است از نبود ارتباطات شفاف و باز و درک هر طرف از محدودیت‌های وظایف مستقل طرف دیگر و تفاوت‌های احتمالی در استراتژی‌ها ناشی شود.

همچنین ارتباط دادگاه با طیف وسیع‌تری از گروه‌های جامعه مدنی ضروری است. با وجود دشواری‌های پیش‌گفته، کلیه مشارکت‌کنندگان در این پژوهش توافق داشتند که رابطه بین دادگاه بین‌المللی جزایی و جامعه مدنی برای موفقیت در مبارزه با معافیت از مجازات به‌خاطر خشونت‌های جنسی و جنسیتی بسیار ضروری است و باید تقویت شود.

۳. راه‌های دیگر برای دستیابی به پاسخ‌گویی در مورد جنایت‌های مربوط به خشونت‌های جنسی و جنسیتی

بر اساس اصل تکمیلی بودن در اساسنامه رُم، در وهله نخست صلاحیت‌های قضایی کشوری برای تحقیق و پیگرد جنایت‌های زیر صلاحیت دادگاه بین‌المللی جزایی، از جمله خشونت‌های جنسی و جنسیتی، دارای مسئولیت هستند. دادگاه بین‌المللی جزایی فقط در صورتی مداخله می‌کند که مسئولان کشوری مایل به تحقیق و پیگرد واقعی مرتکبان جنایت‌های بین‌المللی که در قلمرو آنها رخ داده نباشند یا توانایی این کار را نداشته باشند. علاوه بر این، هدف از تشکیل دادگاه بین‌المللی جزایی پیگرد همه مرتکبان مهمترین جنایت‌های مربوط به صلاحیت قضایی آن نبود و این دادگاه منابع لازم برای این کار را ندارد. به این دلایل و دلایل دیگر، دادستانی با تصمیم استراتژیک تحقیقات خود را در مواردی متمرکز کرده است که بیش‌ترین مسئولیت را در ارتکاب مهم‌ترین جنایت‌های مربوط به صلاحیت قضایی دادگاه دارند.

نظام‌های عدلی ملی با دشواری‌ها و مانع‌های بسیاری در تلاش‌های مربوط به پاسخ‌گویی در زمینه جنایت‌های بین‌المللی (یعنی چارچوب‌های حقوقی تبعیض‌آمیز و محدود کننده؛ رفتارهای سنتی و مردسالارانه در مورد ارتکاب خشونت جنسی؛ نبود دانش کارشناسی مشخص نزد پلیس، تحقیق‌کنندگان و کارکنان حرفه‌ای حقوقی در مورد جنایت‌های مربوط به خشونت‌های جنسی و جنسیتی) روبرو هستند. در نتیجه، از دادگاه بین‌المللی جزایی خواسته شده تا فعالانه دولت‌ها را تشویق و به آنها کمک کند تا در مورد مرتکبان جنایت‌های بین‌المللی ارتكابی در قلمروشان تحقیق کنند و آنها را مورد پیگرد قرار دهند. این کار می‌تواند از طریق کمک به تنظیم قانون‌های اجرایی دربرگیرنده جنایت‌های مطرح در اساسنامه دادگاه بین‌المللی جزایی از طریق حمایت از دادرسی‌های قضایی ملی انجام شود. این روش را «تکمیلی بودن مثبت» یا «رهیافت مثبت به تکمیلی بودن» می‌نامند.

گرچه بعضی از این دشواری‌ها منحصر به صلاحیت‌های قضایی ملی هستند، بسیاری از آنها دشواری‌های مشابه دادگاه بین‌المللی جزایی و دیگر دادگاه‌های

بین‌المللی را به یاد می‌آورند. مهم این است که پیشرفت مهمی در صلاحیت‌های قضایی ملی و منطقه‌ای در زمینه گسترش پاسخ‌گویی برای خشونت‌های جنسی و جنسیتی به دست آمده است.

تکمیلی بودن مثبت بین دادگاه بین‌المللی جزایی و مسئولان محلی تکمیلی بودن در قانون

کشورهای عضو باید متن‌های بنیانگذاری دادگاه بین‌المللی جزایی را در چارچوب حقوقی ملی خود بگنجانند، از جمله از طریق تصویب قانون‌های اجرایی درباره جنایت‌های بین‌المللی و نیز در مورد حقوق قربانیان و شاهدان. به همین ترتیب، ریاست دادگاه بین‌المللی جزایی،^۱ دفتر ثبت^۲ و ریاست مجمع کشورهای عضو^۳ باید تا حد امکان از تلاش‌ها برای توانمندسازی حقوقی تحقیقات و پیگرد‌های ملی در زمینه جنایت‌های بین‌المللی، از جمله خشونت‌های جنسی و جنسیتی، حمایت کنند.

گنجاندن موازین حقوق کیفری بین‌المللی در قانون مجازات ملی می‌تواند باعث توجه بیشتر داخلی به خشونت‌های جنسی و جنسیتی شود و به کاستی‌ها یا بن بست‌های حقوقی مثل موارد مربوط به خشونت جنسی علیه مردان و پسران توجه کند.

از سوی دیگر، ایجاد چارچوب‌های ملی حقوقی می‌تواند امکانات بیشتری را برای اقدام حقوقی سازمان‌های جامعه مدنی فراهم کند. توجه بیشتری باید به تسهیل انتقال دانش از سطح بین‌المللی به سطح ملی بشود. درس‌هایی که در سطح ملی آموخته شده به درستی یا به کفایت به سطح ملی منتقل نشده است و این مسئله بر تلاش‌های مربوط به تکمیلی بودن مثبت تأثیر منفی می‌گذارد.

دادخواهی پیوسته جامعه مدنی ممکن است برای کنار گذاشتن مانع‌های شکلی

1. ICC Presidency
2. Registry
3. ASP (Assembly of State Parties) Presidency

در مقابل پاسخ‌گویی در سطح ملی ضروری باشد. وضعیت مردان قربانی خشونت جنسی نمونه دیگری است که در آن دادخواهی هماهنگ ملی و بین‌المللی برای جلب توجه به گستره و شدت مسئله لازم است. دادخواهی جامعه مدنی همچنین موانع بزرگ را بر سر راه بازماندگان مرد نشان داده است. قانون کیفری در ۶۲ کشور فقط زنان قربانی تجاوز را به رسمیت می‌شناسد. ۶۷ کشور زیر تاثیر مسائل ممنوع داخلی مردان قربانی را به خاطر «همجنس‌گرایی» مجرم می‌انگارند.

تکمیلی بودن در استراتژی‌ها و خط‌مشی‌های تحقیق و دادستانی

دادستانی اصل تکمیلی بودن مثبت را تایید کرده و توضیح داده است که این اصل به این معنا است که دادستانی در هر جا که امکان داشته باشد، از جمله در کشورهای مورد تحقیق یا پیگرد، دادرسی‌های ملی واقعی را تشویق خواهد کرد.

مشارکت‌کنندگان به‌طور کلی توافق داشتند که خلاقیت و انعطاف بیشتری در نقش دادگاه بین‌المللی جزایی برای تشویق یا تسهیل فرآیندهای پاسخ‌گویی ملی در مورد خشونت‌های جنسی و جنسیتی بر اساس اصل تکمیلی بودن مثبت ضروری است. برای مثال، این کار را می‌توان با بررسی امکانات ایجاد فرآیندهای فرآیندهایی برای به شراکت گذاشتن مدارک یا برقراری دیدارهای هدف‌مند حرفه‌ای از همه بخش‌های دادگاه به منظور توانمند ساختن کنشگران ملی با دیدن دادگاه «در عمل» انجام داد. بنا به اظهار مشارکت‌کنندگان در بعضی از کشورها آغاز بررسی مقدماتی دادگاه بین‌المللی جزایی به عنوان «شمشیر داموکلس» عمل کرده و باعث اقدام‌های داخلی برای توجه به خشونت‌های جنسی و جنسیتی شده است تا از گشایش تحقیقات دادگاه بین‌المللی جزایی جلوگیری به‌عمل آید.

استفاده از بهترین روش‌ها و روایت‌های موفقیت

پرسش‌های حقوقی مشترکی تقریباً در همه وضعیت‌ها مطرح می‌شود، از جمله:

* چطور می‌توانیم بدون مدارک پزشکی خشونت جنسی را ثابت کنیم؟

* چطور می‌توانیم خشونت‌های جنسی و جنسیتی را در صورتی که جنایت‌ها سال‌های طولانی پیش از آن رخ داده باشند، مورد پیگرد قرار دهیم؟

* آیا می‌توان خشونت‌های جنسی و جنسیتی را بدون مدارک تاییدی ثابت کرد؟

* چگونه می‌توان زمینه خشونت‌های جنسی و جنسیتی را توضیح داد؟

* بهترین راه ارتباط دادن خشونت‌های جنسی و جنسیتی به مرتکبان آنها چیست؟

برنامه‌های آموزشی و انتقال تجربه بین هم‌تایان

بسیاری از مشارکت‌کنندگان بر فرصت‌های پرشمار برای آموزش از هم‌تایان یا انتقال تجربه بین قاضی‌ها، وکلا و دیگر هم‌تایان، در سطوح بین‌المللی منطقه‌ای یا حتی ملی تأکید کردند. بحث بین قاضی‌ها یا دادستان‌ها، به عنوان مثال در مورد چگونگی برخورد به مسائل عملی مرتبط با خشونت‌های جنسی و جنسیتی، بسیار ضروری است. نیاز برای ایجاد مجامع بحث که کنشگران بتوانند در آنجا در مورد مسائل مربوط به خشونت‌های جنسی و جنسیتی با یکدیگر ارتباط داشته باشند وجود دارد. یکی از ابتکارهای تازه «شبکه پیگرد خشونت جنسی در درگیری»^۴ است که انجمن بین‌المللی دادستان‌ها^۵ ایجاد کرده است. هدف این شبکه حل مشکلات بین صلاحیت‌ها، جمع‌آوری بهترین روش‌ها، ارائه روش‌های کارشناسی به دست آمده در سطح بین‌المللی به دادستانی‌های ملی و برعکس و نیز انتقال تجربه بین صلاحیت‌های مختلف است.

به شراکت گذاشتن بهترین رویه‌های اقدام حقوقی

الف - نظریه‌های کارشناسی

نامه‌های سازمان‌های جامعه مدنی و دانشگاهیان مورد اعتماد دادگاه‌ها در ایجاد رویه قضایی در مورد خشونت‌های جنسی و جنسیتی در دادگاه‌های ملی و نیز در

4. Prosecuting Sexual Violence in Conflict Network (PSV Network)

5. International Association of Prosecutors (IAP)

سطح بین‌المللی به‌ویژه موفق بوده‌اند. دو نمونه مهم این نوع نامه‌ها از این قرار است: نامه به دادگاه‌های فوق‌العاده کامبوج که برای محاکمه رهبران خیم‌روژ تشکیل شده بودند؛ و نامه به دادگاه‌های فوق‌العاده آفریقا برای محاکمه حسن‌هابره در سنگال. نامه به دادگاه‌ها در کامبوج رهنمود کارشناسی در مورد جنایت ضد بشریت ازدواج زود اجباری ارائه کرده بود. نامه به دادگاه‌ها به شکل‌های چندگانه خشونت جنسی را ناقض حقوق عرفی بین‌المللی دانسته و از دادگاه خواسته بود اتهام‌ها را به منظور بازتاب دادن شهادت‌های بازماندگان خشونت‌های جنسی و جنسیتی مورد بازبینی قرار دهد. از آنجا که قاضی‌ها نپذیرفتند رسماً نامه مربوط به خشونت جنسی و جنسیتی را در پرونده ثبت کنند، بسیاری از نکات مطرح در آن نامه که باعث پیشرفت زیادی در برقراری رویه قضایی در مورد خشونت‌های جنسی و جنسیتی می‌شد، در دادنامه بازتاب نیافته است.

استفاده از شهادت کارشناسان نیز به روشی برای تأثیرگذاری بیشتر دانش کارشناسی بین‌المللی و رویه قانونی بین‌المللی و دادنامه‌های ملی است که به این ترتیب به هماهنگی بیشتری در پاسخ‌گویی به‌خاطر خشونت‌های جنسی و جنسیتی منجر می‌شود. برای نمونه، در دادگاه‌های ریوز مونت و سپور زارکو^۶ در گواتمالا، شهادت کارشناسی در مورد رویکرد حقوق بین‌المللی کیفری به خشونت‌های جنسی و جنسیتی به قاضی‌ها در پیش گرفتن رهیافت مترقی‌تری به گنجاندن جنایت‌های مربوط به خشونت‌های جنسی و جنسیتی در این پرونده‌ها کمک کرد.

حمایت فنی از بیرون

دخالت دادن دانش کارشناسی از بیرون همچنین به عنوان روشی برای پیش بردن چارچوب‌های محدود کننده حقوقی ملی در مورد خشونت‌های جنسی و جنسیتی به کار آمده است. این کار از طریق ارائه کمک بین‌المللی کارشناسی به قاضی‌ها در تدوین بخش‌های خاصی از دادنامه در مورد خشونت‌های جنسی و جنسیتی با استفاده از مشاوره فنی و حمایت از دادستان‌ها برای تدوین رویه‌ها و خط‌مشی‌های

6. Sepur Zarco

تازه در مورد خشونت‌های جنسی و جنسیتی و آموزش در مورد پرونده‌ها به مأموران پلیس، تحقیق‌کنندگان و دادستان‌ها، انجام شده است. انتصاب کارشناس بین‌المللی جنسیت برای کمک به قاضی‌های پرونده‌ها بره و اعزام کارشناس خشونت‌های جنسی و جنسیتی نهاد زنان سازمان ملل به دفتر دادستان کل در کلمبیا برای کمک به تدوین پروتکلی برای تحقیق در مورد خشونت‌های جنسی و جنسیتی، با همکاری قابل ملاحظه سیسما موجر^۷ (سازمان جامعه مدنی کلمبیایی) نمونه‌هایی از این نوع هستند.

در عین حال، چند تن از مشارکت‌کنندگان از این مسئله ابراز نگرانی کردند که بعضی از موفقیت‌ها در زمینه خشونت‌های جنسی و جنسیتی در سطح ملی به‌طور عمده نتیجه «پرتاب کارشناس بین‌المللی» به آنجاست و به این ترتیب امکان تداوم این رهیافت را مورد تردید قرار دادند. مشارکت‌کنندگان بر ضرورت افزایش توجه به ساختن ظرفیت کارشناسی محلی در زمینه خشونت‌های جنسی و جنسیتی تأکید کردند.

مشارکت قربانیان در دادرسی‌های کیفری

جامعه مدنی از طریق شاکیان خصوصی و نمایندگی قربانیان خشونت‌های جنسی و جنسیتی در نظام‌های حقوق مدنی یا از طریق دادخواهی مداوم، در گسترش چشم‌انداز تحقیق‌های جاری یا افزودن خشونت‌های جنسی و جنسیتی به اتهام‌ها موثر بوده است. چنین فشاری با موفقیت در بسیاری جاها به کار گرفته شده است. برای نمونه، در سال ۲۰۱۵ فدراسیون بین‌المللی جامعه‌های حقوق بشر و دو سازمان عضو^۸ آن در ساحل عاج به نمایندگی از ۴۳ زن قربانی خشونت جنسی طی بحران پس از انتخابات ۲۰۱۱، گزارشی حقوقی در اختیار واحد ویژه بررسی و تحقیقات قرار دادند و آن‌ها را به عنوان شاکیان مدنی در پرونده معرفی کردند. به این ترتیب، آن‌ها کوشیدند چشم‌انداز تحقیقات ملی را گسترش دهند. پیش از آن

7. Sisma Mujer
8. MIDH & LIDHO

نیز، این سه سازمان در آپریل ۲۰۱۲ از دادستان رسیدگی کننده به جرائم مربوط به خشونت پس از انتخابات خواهان گنجاندن خشونت جنسی در تحقیقات شده بودند و این موفقیت سرانجام به دست آمد. در نتیجه قربانیان خشونت جنسی، با حمایت فدراسیون، توانستند از اکتبر ۲۰۱۲ به عنوان شاکیان خصوصی در آن دادرسی‌ها شرکت کنند. تلاش‌های دادخواهی همچنین باعث شد که وزیر دادگستری در ۱۸ مارچ ۲۰۱۴ با صدور فرمانی اجرایی اعلام کند که ارائه گواهی پزشکی دیگر پیش شرط طرح شکایت در مورد تجاوز یا شکل‌های دیگر خشونت جنسی نیست.

در مالی، فدراسیون و سازمان‌های عضو و همکار در این کشور در سال ۲۰۱۴ شکایتی را به نمایندگی از ۸۰ قربانی تجاوز و شکل‌های دیگر خشونت جنسی به عنوان جنایت‌های ضد بشریت طی اشغال شمال مالی طرح کردند. پیش از این شکایت، اتهام‌های تجاوز و خشونت‌های دیگر جنسی به طور کامل از گستره تحقیقات حذف شده بود و تحقیقات فقط به تروریسم و تشکل‌های جنایتکار محدود شده بود و موارد نقض حقوق بشر را در بر نمی‌گرفت.

به کارگیری صلاحیت قضایی جهانی یا فراسرزمینی^۹ برای تعقیب مرتکبان جنایت‌های بین‌المللی در کشوری دیگر یکی از راه‌های مهم برای پاسخ‌گویی در وضعیت‌هایی است که نظام حقوقی داخلی ناتوان و یا بی‌میل از رسیدگی به چنین جنایت‌هایی است، به‌ویژه در تقاطعی که دادگاه بین‌المللی جزایی دارای صلاحیت نیست. شاید تنها گزینه برای کشورهایی مثل سوریه یا عراق، با توجه به بن بست در شورای امنیت سازمان ملل برای ارجاع موضوع به دادگاه بین‌المللی جزایی و نبودن احتمال سیاسی تشکیل هرگونه دادگاه موقت بین‌المللی برای تحقیقات در مورد وضعیت در منطقه در آینده نزدیک، صلاحیت قضایی فراسرزمینی در مورد پرونده‌های خشونت‌های جنسی و جنسیتی باشد. چندین تحقیق قضایی بر اساس صلاحیت فراسرزمینی در سوئد، اتریش، آلمان و فرانسه علیه متهمان سوری ساکن در کشورهای اروپایی در مورد جنایت‌های ارتكابی در سوریه آغاز شده‌اند، گرچه هیچ یک از این دادرسی‌ها تاکنون شامل اتهام تجاوز یا خشونت جنسی نبوده‌اند. با وجود

این، این موضوع بایستی در چارچوب پیگردهای آتی قرار گیرد، به‌ویژه با توجه به کوشش‌های گسترده گروه‌های جامعه مدنی سوریه برای ثبت خشونت‌های جنسی و جنسیتی در درگیری‌ها در این کشور. این تحقیقات فراسرزمینی باید از طریق سازوکارهای پاسخ‌گویی برقرار شده در سازمان ملل تقویت شود. در دسامبر ۲۰۱۶ مجمع عمومی سازمان ملل در اجرای صلاحیت قضایی فراسرزمینی، سازوکار مستقل و غیرجانبدارانه بین‌المللی برای جنایت‌های بین‌المللی در سوریه و کمک به مسئولان ملی برای تحقیق و پیگرد جنایت‌های بین‌المللی ارتكابی در سوریه تشکیل داد.

علاوه بر این، مشارکت‌کنندگان تاکید کردند که مقام‌های کشورها باید توجه بیشتری به جنگجویان خارجی نشان دهند که در سوریه و عراق دستگیر می‌شوند یا از منطقه درگیری به کشور مبدأ خود می‌گریزند. این افراد همواره به عنوان خطری برای امنیت تلقی و به تروریسم متهم می‌شوند. اما توجه بسیار کمی به این واقعیت شده که آنها ممکن است متهم به ارتکاب جنایت بر اساس اساسنامه ژنوا باشند. مقام‌های کشورهای دیگر باید به گرد آوری مدارک به منظور گنجاندن اتهام‌های ارتکاب جنایت‌های بین‌المللی و از جمله خشونت‌های جنسی و جنسیتی توجه نشان دهند.

به همین روال، مشارکت‌کنندگان بر این واقعیت تاکید کردند که کسانی که از خانه‌هایشان در کشورهای مثل عراق و سوریه آواره شده‌اند و به کشورهای اروپایی فرار کرده‌اند ممکن است بالقوه شاهدانی با مدارک ارزشمند در مورد جنایت‌های ارتكابی علیه غیرنظامیان در منطقه و از جمله خشونت‌های جنسی و جنسیتی باشند.

مشارکت‌کنندگان تاکید کردند که پرونده‌های مربوط به صلاحیت قضایی فراسرزمینی در یک کشور را می‌توان برای راه انداختن دادرسی یا حمایت از آن در کشوری که جنایت‌ها در آنجا رخ داده یا در کشورهای دیگر مورد استفاده قرار داد. برای نمونه، پرونده‌های مربوط به صلاحیت قضایی فراسرزمینی که سازمان‌های جامعه مدنی در دادگاه‌های اسپانیا و بریتانیا مطرح کردند، به دادرسی‌ها و تحول‌های

9. universal jurisdiction or extra-territorial jurisdiction

مترقی حقوقی در گواتمالا در پرونده ریز مونت و پرونده‌های رژیم پینوشه در شیلی و کشورهای دیگر محل سکونت بازماندگان دامن زد. همکاری بین صلاحیت‌های قضایی ملی نیز برای تقویت پیگردهای ملی در مورد این جنایت‌ها مهم است.

روایت‌های فردی و افزایش آگاهی

ساز و کار مهم دیگری که از طریق این پژوهش پدیدار شده قدرت بیان روایت است. زمانی که شخصیت‌های عمومی - بازماندگان یا شاهدان - به‌طور علنی درباره خشونت‌های جنسی و جنسیتی سخن می‌گویند، این کار به واکنش‌های زنجیره‌ای در زمینه تحولات حقوقی و نیز به راه انداختن تغییرات اجتماعی در تشخیص خشونت‌های جنسی و جنسیتی دامن می‌زند.

برای نمونه، در کامبوج یک بازمانده ترنسجندر خشونت‌های جنسی و جنسیتی در نشست خبری که جامعه مدنی در سال ۲۰۰۸ ترتیب داده بود درباره خشونت‌های علیه خود سخن گفت. دادگاه‌های فوق‌العاده کامبوج در این باره بیانیه مطبوعاتی منتشر کردند و این باعث به راه افتادن گفتگو در جامعه کامبوج درباره خشونت‌های جنسی و جنسیتی در چارچوب وسیع‌تر شد. همچنین، یکی از مشارکت‌کنندگان از نپال شرح داد که یک شورشی پیشین مائویست که اکنون نماینده پارلمان است، در این پارلمان درباره تجاوز گروهی به خود سخن گفته بود، در حالی که مردم گمان می‌کردند که طی جنگ داخلی ۱۰ ساله نپال هیچ خشونت جنسی رخ نداده است. سخنرانی تأثیر عمیقی به جا گذاشت و در نتیجه دولت که وقوع خشونت‌های جنسی و جنسیتی را انکار کرده بود، وادار شد تا کمک‌های جبرانی به بازماندگان خشونت‌های جنسی و جنسیتی ارائه کند.

افزایش به چشم آمدن بازماندگان مرد تأثیر مهمی بر افزایش آگاهی و درک از خشونت جنسی علیه مردان و پسران گذاشته است. برای نمونه، در کامبوج که نیمی از شاهدان گواهی‌دهنده درباره ازدواج اجباری مرد بودند، درک بیشتری از این واقعیت وجود دارد که مردان قربانی جنایت ازدواج اجباری بوده‌اند و ازدواج اجباری شکلی از خشونت جنسی و جنسیتی است. در اوگاندا، بازماندگان مرد که

سخن گفته‌اند و در مصاحبه با رسانه‌ها شرکت کرده‌اند منبع تسلی برای مردان دیگری هستند که بسیاری از آنها با انزوا و احساس «تنهایی» در قربانی بودن در چنین خشونت‌هایی دست و پنجه نرم کرده‌اند. استفاده از زبان دقیق برای تشریح و تشخیص شکل‌های مختلف خشونت جنسی علیه مردان می‌تواند تأثیر مهمی بر افزایش درک عمومی، به‌ویژه در مورد شکنجه و تعدی علیه زندانیان، داشته باشد.

برای نمونه، در یوگوسلاوی سابق، در دادرسی‌ها در دادگاه بین‌المللی یوگسلاوی سابق، مردان فقط به عنوان قربانی شکنجه معرفی می‌شدند، حتی مردانی که قربانی ناقص سازی جنسی یا اعمال اجباری جنسی شده بودند. در حالی که زنان معمولاً به عنوان قربانی خشونت جنسی معرفی می‌شدند. این ارائه تصویر غلط از خشونت جنسی به عنوان صرفاً شکلی از شکنجه یا رفتار غیر انسانی و تحقیر کننده در مورد تعدی‌های نیروهای آمریکایی در ابوغریب نیز به کار رفته است، با وجود اینکه مدارک زیادی در مورد برهنگی اجباری، خودارضایی اجباری و خشونت‌های دیگر جنسی در دست است. در عین حال، تهدید زندانیان به «تقیه اجباری آب در مقعد» به عنوان بخشی از برنامه شکنجه سی‌ای‌ای فقط به تازگی به عنوان جنایت تجاوز مورد پذیرش قرار گرفته است.

این تصور که مترقی‌ترین تحولات در زمینه پاسخ‌گویی برای خشونت‌های جنسی و جنسیتی به‌خاطر حساسیت اساسنامه ژم به جنسیت در سطح بین‌المللی رخ می‌دهد باید متعادل شود. نه تنها اساسنامه ژم رویه‌های موجود قبلی را در مقررات خود گنجانده است بلکه پیشرفت‌های مهمی در سطوح ملی به دست آمده که هنوز در سطح بین‌المللی دیده نمی‌شود. تلاش‌های هماهنگی برای افزایش دانش و درک از موازین بین‌المللی حقوقی در میان عاملان در سطح ملی در جریان است. مشارکت‌کنندگان بر این باور بودند که باید کوشش‌های بیشتری در سطح بین‌المللی برای آموزش از تحولات در سطح ملی به عمل آید.

بوسنی نمونه‌ای از صلاحیت قضایی است که در آن خشونت جنسی مرتبط با درگیری موضوع پیگردهای کیفی ملی و بین‌المللی بوده است. با وجود اینکه کارنامه دادگاه بین‌المللی یوگسلاوی سابق در زمینه پاسخ‌گویی برای خشونت جنسی

بهترین کارنامه در میان دادگاه‌های بین‌المللی کیفری است، فعالیت جامعه مدنی و سازمان‌های بین‌المللی برای بهبود ظرفیت داخلی و قوانین مربوط به خشونت‌های جنسی و جنسیتی در بوسنی باعث دستیابی به شماری از محکومیت‌ها در مورد جنایت‌های خشونت جنسی در سطح ملی شده است که اکنون دستاوردهای دادگاه بین‌المللی یوگسلاوی سابق را پشت سر گذاشته است. به علاوه، بوسنی نخستین صلاحیت قضایی کیفری در سراسر جهان است که در مورد جنایت ضد بشریت آزار مرتبط با جنسیت حکم محکومیت صادر کرده است تا جایی که دادگاه بین‌المللی جزایی ممکن است به این سابقه ملی در پیگرد این جنایت بر اساس اساسنامه ژم استناد کند.

علاوه بر این، گرچه تکوین رویه قضایی ملی از طریق همکاری بین صلاحیت‌های قضایی مختلف تقویت شده، این وضعیت مشروط به این است که این رویه قضایی در اختیار قاضی‌ها قرار گیرد. تحقیق برای این پروژه همکاری بین دادگاه بین‌المللی جزایی و صلاحیت‌های ملی را در زمینه رویه قضایی فرصت بزرگی در آینده تشخیص داد. ضروری است که دادگاه بین‌المللی جزایی تماس خود با صلاحیت‌های ملی را که به جنایت‌های بین‌المللی رسیدگی می‌کنند تقویت کند تا از رویه قضایی آنها بهتر بهره مند شود. در عین حال، رویه قضایی دادگاه بین‌المللی جزایی، به لحاظ شکلی و محتوایی، باید بیشتر در دسترس قرار گیرد. زبان و کمبود ترجمه نخستین عامل مهم بازدارنده است. چند تن از مشارکت‌کنندگان اظهار کردند که رویه قضایی بین‌المللی باید به زبان عاملان ملی در اختیار آنها قرار گیرد. این نگرانی وجود دارد که موجود بودن رویه قضایی به زبان‌های فرانسوی، اسپانیایی و انگلیسی امکان بهره‌گیری متقابل دادگاه بین‌المللی جزایی و دادگاه‌های ملی را که به جنایت‌های مشابهی رسیدگی می‌کنند، محدود می‌کند. ضرورت آشکار و مشخصی برای ترجمه دادنامه‌ها برای عاملان ملی وجود دارد تا درک کنند که مسائل حقوقی، از جمله عناصر جنایت‌ها، در سطح ملی و بین‌المللی چگونه مورد بررسی قرار می‌گیرند. این محدودیت‌ها در خارج از این چند زبان محوری بزرگتر دیده می‌شود.

نتیجه‌گیری این بخش

از آنجا که دادگاه بین‌المللی جزایی آخرین امکان قضایی است، در وهله نخست صلاحیت‌های ملی وظیفه تحقیق و پیگرد جنایت‌های مربوط به خشونت‌های جنسی و جنسیتی را به عهده دارند. اما مسئولان کشوری با چالش‌های بسیاری روبه‌رو بوده‌اند، از جمله یی ضرورت تقویت دانش کارشناسی، ظرفیت‌ها و منابع. دادگاه بین‌المللی جزایی بایستی نقش فعالی به عهده بگیرد و اصل "تکمیلی بودن مثبت" را با حمایت از تلاش‌های ملی برای همگامی با نظام اساسنامه ژم به اجرا بگذارد و تبادل اطلاعات در مورد بهترین استراتژی‌ها و خط‌مشی‌های تحقیق و پیگرد را تشویق کند.

علاوه بر این، کلیه موارد موفقیت آمیز پاسخ‌گویی در مورد جنایت‌های مربوط به خشونت‌های جنسی و جنسیتی در استراتژی‌های اقدام حقوقی پایدار و چندوجهی و دادخواهی اشتراک داشتند و راه‌های چندگانه به سوی عدالت را که اغلب از سازمان‌های متعهد جامعه مدنی فعال در پشتیبانی از قربانیان به پیش می‌بردند، پی گرفته‌اند. عناصر دیگری نیز به تغییرات حقوقی و اجتماعی کمک کرده‌اند، مثل زمانی که چهره‌های سرشناس، بازماندگان یا شاهدان جنایت‌های مربوط به خشونت‌های جنسی و جنسیتی موضوع را از داخل دادگاه به پهنه گسترده‌تر اجتماع می‌برند.

دسترسی آسان‌تر به رویه قضایی مترقی، نظریه‌های کارشناسی، آموزش و برگزاری نشست‌های تبادل تجربه نیز بخشی از معادله هستند. تحولات مطلب در زمینه پاسخ‌گویی به خاطر خشونت‌های جنسی و جنسیتی در سطوح بین‌المللی، منطقه‌ای و ملی رخ می‌دهند. تبادل تجربه و اطلاعات بین صلاحیت‌ها و عاملان باید تقویت شود تا با استفاده از این تحولات مثبت عدالت برای قربانیان خشونت‌های جنسی و جنسیتی در دادگاه بین‌المللی جزایی و فراتر از آن به دست آید.

جنسی و جنسیتی در بوسنی باعث دستیابی به شماری از محکومیت‌ها در مورد جنایت‌های خشونت جنسی در سطح ملی شده است که اکنون دستاوردهای دادگاه بین‌المللی یوگسلاوی سابق را پشت سر گذاشته است. به علاوه، بوسنی نخستین صلاحیت قضایی کیفری در سراسر جهان است که در مورد جنایت ضد بشریت آزار مرتبط با جنسیت حکم محکومیت صادر کرده است تا جایی که دادگاه بین‌المللی جزایی ممکن است به این سابقه ملی در پیگرد این جنایت بر اساس اساسنامه ژم استناد کند.

علاوه بر این، گرچه تکوین رویه قضایی ملی از طریق همکاری بین صلاحیت‌های قضایی مختلف تقویت شده، این وضعیت مشروط به این است که این رویه قضایی در اختیار قاضی‌ها قرار گیرد. تحقیق برای این پروژه همکاری بین دادگاه بین‌المللی جزایی و صلاحیت‌های ملی را در زمینه رویه قضایی فرصت بزرگی در آینده تشخیص داد. ضروری است که دادگاه بین‌المللی جزایی تماس خود با صلاحیت‌های ملی را که به جنایت‌های بین‌المللی رسیدگی می‌کنند تقویت کند تا از رویه قضایی آنها بهتر بهره مند شود. در عین حال، رویه قضایی دادگاه بین‌المللی جزایی، به لحاظ شکلی و محتوایی، باید بیشتر در دسترس قرار گیرد. زبان و کمبود ترجمه نخستین عامل مهم بازدارنده است. چند تن از مشارکت‌کنندگان اظهار کردند که رویه قضایی بین‌المللی باید به زبان عاملان ملی در اختیار آنها قرار گیرد. این نگرانی وجود دارد که موجود بودن رویه قضایی به زبان‌های فرانسوی، اسپانیایی و انگلیسی امکان بهره‌گیری متقابل دادگاه بین‌المللی جزایی و دادگاه‌های ملی را که به جنایت‌های مشابهی رسیدگی می‌کنند، محدود می‌کند. ضرورت آشکار و مشخصی برای ترجمه دادنامه‌ها برای عاملان ملی وجود دارد تا درک کنند که مسائل حقوقی، از جمله عناصر جنایت‌ها، در سطح ملی و بین‌المللی چگونه مورد بررسی قرار می‌گیرند. این محدودیت‌ها در خارج از این چند زبان محوری بزرگتر دیده می‌شود.

نتیجه‌گیری این بخش

از آنجا که دادگاه بین‌المللی جزایی آخرین امکان قضایی است، در وهله نخست

صلاحیت‌های ملی وظیفه تحقیق و پیگرد جنایت‌های مربوط به خشونت‌های جنسی و جنسیتی را به عهده دارند. اما مسئولان کشوری با چالش‌های بسیاری روبه‌رو بوده‌اند، از جمله یی ضرورت تقویت دانش کارشناسی، ظرفیت‌ها و منابع. دادگاه بین‌المللی جزایی بایستی نقش فعالی به عهده بگیرد و اصل "تکمیلی بودن مثبت" را با حمایت از تلاش‌های ملی برای همگامی با نظام اساسنامه ژم به اجرا بگذارد و تبادل اطلاعات در مورد بهترین استراتژی‌ها و خط‌مشی‌های تحقیق و پیگرد را تشویق کند.

علاوه بر این، کلیه موارد موفقیت آمیز پاسخ‌گویی در مورد جنایت‌های مربوط به خشونت‌های جنسی و جنسیتی در استراتژی‌های اقدام حقوقی پایدار و چندوجهی و دادخواهی اشتراک داشتند و راه‌های چندگانه به سوی عدالت را که اغلب از سازمان‌های متعهد جامعه مدنی فعال در پشتیبانی از قربانیان به پیش می‌بردند، پی گرفته‌اند. عناصر دیگری نیز به تغییرات حقوقی و اجتماعی کمک کرده‌اند، مثل زمانی که چهره‌های سرشناس، بازماندگان یا شاهدان جنایت‌های مربوط به خشونت‌های جنسی و جنسیتی موضوع را از داخل دادگاه به پهنه گسترده‌تر اجتماع می‌برند.

دسترسی آسان‌تر به رویه قضایی مترقی، نظریه‌های کارشناسی، آموزش و برگزاری نشست‌های تبادل تجربه نیز بخشی از معادله هستند. تحولات مطلب در زمینه پاسخ‌گویی به خاطر خشونت‌های جنسی و جنسیتی در سطوح بین‌المللی، منطقه‌ای و ملی رخ می‌دهند. تبادل تجربه و اطلاعات بین صلاحیت‌ها و عاملان باید تقویت شود تا با استفاده از این تحولات مثبت عدالت برای قربانیان خشونت‌های جنسی و جنسیتی در دادگاه بین‌المللی جزایی و فراتر از آن به دست آید.

مصاحبه گیسو جهانگیری با رودلفو دومینگز مارکز

وکیل و متخصص قوانین حقوق بشری و خشونت جنسیتی علیه زنان

برگردان از انگلیسی: شورانگیز داداشی

سوال: لطفا خودتان را معرفی کنید.

جواب: نام من رودلفو دومینگز مارکز است. ساکن مکزیک، وکیل و متخصص قوانین حقوق بشری و خشونت جنسیتی علیه زنان هستم.

سوال: درحال حاضر در مکزیک چه کاری انجام می دهید؟

جواب: درمکزیک یک سازمان مردم نهاد را مدیریت می کنم. ما به طور خاص پرونده های فمی ساید^۱ را در مکزیک بررسی می کنیم. ما دادخواهی انجام می دهیم. هم چنین حامی سازوکارهایی هستیم که از زنانی که در شرایط بسیار خشن به سر می برند، حفاظت می کند و هم چنین مقامات را آموزش می دهیم تا بتوانند پروتکل های تحقیقات و پیگرد قضایی فمی ساید را اجرا نمایند و هم چنین مدل هایی را برای اجرای قوانین حفاظتی برای زنان در شرایط خشونت جنسیتی ایجاد می کنیم.

سوال: شما از واژه فمی ساید استفاده کردید. فمی ساید را چگونه تعریف می کنید؟

۱. کشتن یک زن یا دختر، به ویژه توسط یک مرد و به دلیل جنسیت او.

جواب: دست کم در مکزیک ما فمی ساید را به عنوان قتل یک زن صرفاً به خاطر زن بودن تعریف می کنیم. منظور ما در جرایم مبتنی بر خشونت جنسیتی، جرایم نفرت آمیزی است که در آن زنان به خاطر تبعیض بر پایه جنسیت کشته می شوند، در جامعه ای که زنان را به عنوان اشخاص پست تر محسوب می کند.

سوال: آیا این مساله، در مکزیک یک پدیده اجتماعی است؟

جواب: بله پدیده ای اجتماعی است که در سراسر کشور در بستر عام خشونت مرتبط با جرم انگاری گسترش یافته اما در این بستر، خشونت جنسیتی جایگاه خاص دارد به خاطر خشونت عام بر ضد زنان که در مکزیک با آن روبرو هستیم. بنابراین شرایطی داریم که هر سال وضع بدتر و بدتر می شود چون خط مشی های لازم را برای جلوگیری و حذف مصونیتی که بر این پرونده ها احاطه دارد نداریم.

سوال: قوانین فعلی در خصوص حفاظت از زنان کدام است؟

جواب: قوانین فعلی مکزیک در رابطه با فمی ساید طی ۱۰ سال گذشته در حال تغییر بوده است. جنبش حقوق بشری حقوق زنان تلاش وافر در جهت پذیرش فمی ساید به عنوان یک جرم صورت داده است. ۱۰ سال پیش ۲۰ سال پیش واقعیتی به نام فمی ساید نمی شناختیم؛ بنابراین خشونت طبیعی شده بود و فمی ساید به عنوان خشونت خانوادگی در نظر گرفته می شد و این نوع خشونت به واسطه قانون هیچ گونه بازدارندگی نداشت. جنبش زنان به ویژه در جهت به رسمیت شناختن این واقعیت با نام گذاری آن کوشش کرد و ما برای ساختن مفهوم حقوقی برای فمی ساید کار کردیم بنابراین در حال حاضر در قوانین کیفری مکزیک ما فمی ساید را به عنوان یک جرم داریم این قوانین به ما کمک می کند این تعریف را اجرایی کنیم تا عدالت را در این پرونده ها تضمین کند. به عنوان مثال سعی کردیم هدف تعریف فمی ساید را گسترش دهیم بنابراین در مکزیک فمی ساید کشتن یک زن به دلایل جنسیتی است و ما به صورت عینی این دلایل جنسیتی را تعریف کرده ایم. وقتی درباره دلایل جنسیتی حرف می زنیم منظورمان توضیح خصوصاتی است که ما در بسیاری از موارد که از آن آگاه بودیم مستند کرده ایم؛ مثلاً یکی از این خصوصیات، خشونت جنسی مرتبط با جرم است. زنان زیادی که کشته می شوند و

مورد آزار جنسی قرار می گیرند شاید مورد تجاوز قرار می گیرند؛ اینها خصوصیات این جرایم مبتنی بر جنسیت است. خشونت جنسی یکی از افراطی ترین اشکال خشونت های جنسیتی است. پس ما از تعریف علایم جنسی به عنوان دلیل جنسیت مربوط به فمی ساید استفاده می کنیم.

دلیل دیگر شیوه هایی است که با آن زنان کشته می شوند جراحت هایی که ما روی جنازه ها پیدا می کنیم، بی رحمی قاتلان را در برخورد با جنازه ها می بینیم. گاهی اوقات آنها را مثله می کنند، تکه تکه می کنند. گاهی اوقات خفه شده اند، گاهی اوقات با نیروی جسمی کشته شده اند. گاهی اوقات از چاقو یا چنین سلاح هایی استفاده می کنند و بی رحمانه قربانیان را سلی می زنند. در نتیجه جراحت های زیادی مربوط به این گونه صدمات می یابیم. بسیاری از خصوصاتی که ما درک می کنیم ناشی از بی رحمی است و بر بیکر زنان نمود پیدا می کند.

عنصر دیگری که ما در این تعریف مدنظر قرار می دهیم بستر خشونت است. بستری که بسیاری از زنان در آن زیست می کنند. پس ما همیشه سعی در شناخت بستر و چارچوبی که خشونت در آن صورت می گیرد داریم. در رابطه با خشونت های جنسیتی، دست کم با دو بستر خشونت خانوادگی و خشونت عمومی مواجهیم.

به خصوص ما در مکزیک مشکل نفوذ سازمان های مجرمانه را داریم. بسیاری از موارد فمی ساید مربوط به الگوی این سازمان هاست. به عنوان مثال الگوی اصلی که ما شناسایی کردیم ناپدید شدن زنانی است که قرار است مورد بهره کشی جنسی قرار بگیرند به خصوص دختران کم سن بین ۱۱ تا ۱۷ سال بسیاری از آنان قبلاً از این که مرده پیدا شوند ناپدید می شوند و زمانیکه الگوها را مورد تحلیل قرار می دهیم می فهمیم که آنان مورد بهره کشی جنسی قرار می گیرند.

الگوهای دیگر مربوط به رابطه میان قربانی و متجاوز است. عمدتاً ما رابطه های نزدیک را داریم که در آن قربانی و متجاوز یک نوع رابطه خانوادگی دارند مثلاً شوهر، دوست پسر. در چنین خانواده هایی که زنان را می کشند ما درک می کنیم که این الگوها هم مربوط به فمی ساید هستند.

الگوهای دیگر مربوط به نمایش جسد در محیط های عمومی است. این پیامی

است که به زنان مخابره می شود که آنان دست کم در محیط های عمومی احساس امنیت ندارند. وقتی یک جنازه در خیابان می اندازید این جنازه به عنوان زباله محسوب می شود بنابراین شما پیامی ارسال می کنید که زنان و بدن زنان از زباله پست تر است. ما این را عنصر مهمی از فمی سایید در نظر می گیریم.

هم چنین گاهی زنانی که مرده پیدا می شوند اول ناپدید می شوند پس ما برقراری ارتباط را به عنوان عنصر فمی سایید به حساب می آوریم. اگر یک زن پیش از فمی سایید پیدا نشود ما آن را به عنوان عنصری از خشونت جنسیتی و علت جنسیتی برای فمی سایید در نظر می گیریم. و گاهی اوقات زمانی که زنان به خاطر شرایطی که در آن هستند نتوانند از خودشان دفاع کنند ما این را نیز به عنوان عنصری از فمی سایید محسوب می کنیم. بنابراین سعی داریم این تعاریف عینی را ایجاد کنیم تا عناصری برای پیگرد قانونی جرم و عناصری برای رسیدن به عدالت در این پرونده ها داشته باشیم.

سوال: قتل ناموسی در مکزیک به چه معناست؟

جواب: قتل ناموسی در مکزیک یعنی جرم تنفرآمیز، یک جرم مربوط به تبعیض و خشونت علیه زنان که بر مبنای تبعیض جنسیتی صورت می گیرد. ما دیگر درباره قتل ناموسی صحبت نمی کنیم. این قتل ها را هم فمی سایید می نامیم. طی چند سال گذشته در مکزیک مقامات قضایی جرم ناموسی را توجیه قتل می دانند بنابراین آنان جرائم ناموسی را به عنوان جرم تلقی نمی کنند و میزان توجه به اندازه انواع دیگر جرم نیست بنابراین از نظر آنان چیزی نیست که مستحق ضمانت اجرای کیفری باشد.

بنابراین طی سال های گذشته جنبش فمینیستی به مفهوم سازی این جرایم دست زده است و دیگر آنان را به عنوان جرائم ناموسی نام گذاری نمی کنند و به عنوان فمی سایید به عنوان شکل شدید خشونت علیه زنان می شناسند.

سوال: چرا تغییر شیوه تعریف مفاهیم اهمیت دارد؟ چرا در یک جامعه یا کشور مهم است که آنچه که در گذشته جرم ناموسی نامیده می شود حالا به فمی سایید تغییر نام دهد؟ چرا این فرایند اهمیت دارد؟

جواب: نام گذاری چیزها و تغییر مفاهیم اهمیت دارد. زمانی که از مفهوم جرم ناموسی استفاده می کنیم داریم یک رفتار را نادیده می گیریم به ویژه وقتی شوهر همسر خود را عمدتاً با یک مرد دیگر می بیند که روابط جنسی دارند و شوهر کشتن زن را توجیه می کند. برای ما اهمیت دارد که مسائل را همانطور که هستند نام گذاری کنیم. این اقدامات خیلی خطرناک است چون بر اساس این نگرش و تلقی، زن به عنوان مایملک مرد است. پس ما این اقدامات را به عنوان شرایط تبعیض مفهوم سازی می کنیم. داریم در مورد خشونت جنسیتی صحبت می کنیم و سعی داریم تلقی زن را به عنوان شی ای که می تواند مورد استفاده مردان قرار بگیرد متحول کنیم، و سعی داریم برای این شرایط با شناسایی خشونت بر پایه جنسیت بازدارندگی ایجاد کنیم. اگر واقعیت را نام گذاری نکنید نمی توانید این واقعیت ها را متحول کنید. پس به عنوان مدافعان حقوق بشر سعی داریم همه قوانین حقوق بشری را اجرایی کنیم که برابری و آزادی را به عنوان اساس قوانین بین المللی حقوق بشری در نظر می گیرند باید بفهمیم که این شرایط نقض فاحش قوانین حقوق بشری است پس باید این واقعیت را همان طور که هست نام گذاری کنیم؛ یک خشونت بر پایه جنسیت که باید برچیده شود تا حقوق بشر برای همه زنان تضمین شود.

سوال: چگونه توضیح می دهید که مکزیک این قدر خشونت سیاسی دارد؟ یعنی خشونت به عنوان ابزار تعامل بین افراد، چرا مکزیک به عنوان یک جامعه خشن به حساب می آید؟

جواب: مکزیک یک جامعه خشن علیه زنان محسوب می شود چون ما یک جامعه پدرسالار هستیم. از زمان باستان مکزیک به عنوان یک جامعه وطن دوست ساخته شده است مچیزمو، مچو من شیوه نرمالی از زیستن است بنابراین مچو مردی است که زن را مطیع خود می سازد، که زن را به عنوان شی می داند، که زن را مورد سواستفاده جنسی قرار می دهد و هیچ اتفاقی نمی افتد. بنابراین جامعه ای هستیم که کاملاً این خشونت های بر پایه جنسیت را نرمال کرده است. در نتیجه در بسیاری مواقع این خشونت ها را خطرناک نمی دانیم یا آنان را به عنوان جرم در نظر نمی گیریم. بنابراین با توسعه قوانین حقوق بشری با پیوستن به قوانین حقوق بشری بین

المللی، اکنون مکزیک متعهد است که خشونت برضد زنان را ریشه کن کند. یک راه مهم انجام دادن این کار با نام گذاری این واقیعت های خشن به واقیعتی که حداقل سعی در بررسی و ریشه کن کردن این خشونت های جنسیتی علیه زنان دارد، است. **سوال:** آیا مطالعات ملی یا مطالعات درحال انجام می تواند به ما درجهت مشخص کردن تعداد قربانیان کمک کند؟ می توانید کمی درباره آن توضیح دهید؟

جواب: بله ما مشکلی درمکزیک داریم و آن مستندسازی پرونده های این نوع خشونت است. اما به عنوان سازمان های حقوق بشری ما متعهد به مستند کردن همه این پرونده ها هستیم. بنابراین به عنوان مثال درحال حاضر دیده بان ملی فمی ساید شهروندی شبکه وسیعی از حداقل ۴۳ سازمان حقوق بشری دارد. ما کارهای زیادی برای مستند سازی پرونده ها در مکزیک انجام داده ایم. می توانم به شما بگویم که طی حداقل سه سال گذشته تقریباً ۸۶۸۰ مورد فمی ساید را در مکزیک مستند کرده ایم. پس اگر این زمان کم را که ما مستند سازی کرده ایم، درنظر بگیرید این عدد عظیمی است، نمونه ای از واقیعتی است که ما درحال حاضر در مکزیک با آن روبرو هستیم.

سوال: آیا درمکزیک وزارت امور زنان دارید؟

جواب: درمکزیک ما موسسه ملی زنان را داریم که باید یک سازمان فدرال باشد که بروی توسعه سیاست ها با دیدگاه جنسیتی کار می کند و هدف آن این است که تضمین کند کل حکومت دیدگاه جنسیتی را به عنوان یک دیدگاه سراسری خواهد داشت و در توسعه سیاست ها در مکزیک مدنظر قرار می گیرد. بنابراین طی ۱۴ سال گذشته درحال توسعه قوانین زیادی راجع به حقوق بشر حقوق زنان بوده ایم. بنابراین دست کم در قوانین ابزارهای مهمی برای تضمین یک زندگی بدون خشونت برای زنان، تضمین حقوق سیاسی برای زنان، تضمین و به رسمیت شناختن حق باروری داریم. پس بصورت مکتوب، قوانین خوبی داریم. مشکل این است که این قوانین به راحتی اجرا نمی شود. چون مقامات هنوز هم نگرش های تبعیض آمیز دارند. نسبت به شرایط خشونت جنسیتی حساسیتی ندارند. بنابراین ما سخت کاری کنیم که آنها را آموزش دهیم، به آنان ابزاردهیم و مکانیزم های مختلفی برقرار کنیم

تا قوانین را به درستی اجرا کنیم. تا سعی کنیم که خشونت علیه زنان را در کشورم مجازات کنیم.

سوال: فکر می کنید چگونه می توانیم به تغییر ذهنیت دست پیدا کنیم؟ چون مکزیک یک کشور دموکراتیک است که قوانین آن کم و زیاد درسطحی است که تعهدات بین المللی الزام می کند. اما همانطورکه گفتید چالش نحوه اجرای آن است قوانین خوبی داریم اما چگونه اجرا می شوند؟ آیا به خاطر این است که برخی نمی خواهند اجرا شود؟ یا برخی سازوکارها مانع اجرایی شدن آن می شود؟ شما به آموزش اشاره کردید نمی دانم آیا مایلید درباره نحوه استفاده از آموزش و پرورش صحبت کنید. آیا گروهی از افراد دارید که بروی سرفصل دروس کارکنند که ببینند تا چه حد بچه ها در مدرسه می آموزند این قواعد جنسیتی را مورد سوال قرار می دهد یا اغماض می کنند و ... بطور کلی نقش فرهنگ چیست؟ می خواهیم بدانم آیا تلاش هماهنگی بین شما اعضای جامعه مدنی در تغییر این ذهنیت وجود دارد؟ **جواب:** تغییر ذهنیت ها یک هدف بزرگ است باید شیوه درک مردم از نقشی که مرد وزن در جامعه ایفا می کنند متحول شود. تحول فرهنگی هدف اصلی است. اما اصلاً آسان نیست، سعی ما برای ایجاد استراتژی است اما آسان نیست چون ما یک جامعه واقعا محافظه کار هستیم؛ ما نهاد مذهب را داریم؛ نهادهای زیادی داریم که مفاهیم پدرسالارانه را حفظ می کنند. واقعا دشوار است که همه این نهادها را متحول کنیم؛ فکر می کنم خیلی زمان می برد. هدف بزرگی است که باید روی آموزش، فرهنگ و تغییر نهادهای زیادی که در جامعه ما ریشه دارند کارکنیم. می توانیم مردم را نسبت به تبعیض علیه زنان حساس تر کنیم نسبت به خشونت علیه زنان و شرایطی که اکنون با آن روبرو هستیم. متأسفانه نمی توانم بگویم در این زمینه موفق بوده ایم سعی کردیم که از رسانه و دیگر ابزارها و مکانیزم ها استفاده کنیم تا بروجوانان تاثیرگذاریم تا ایده دیگری درباره جنسیت داشته باشند؛ درکی نسبت به خشونت برپایه جنسیت، تا بتوانیم این واقیعت را تغییر دهیم. این کارعظیمی است که درآینده باید انجام شود باید با نهادهای زیادی کارکنیم با مدارس با دانشگاه ها؛ فکرمی کنیم به خصوص لازم است که با کودکان کارکنیم تا آنان که کوچک هستند

یک جامعه غیرپدرسالار بنا کنند. باید به آنان ابزارهایی دهیم که به آنان دیدگاهی نسبت به جنسیت می دهد؛ که به آنان اجازه می دهد تنوع را بین مردم درک کنند. برای من درک تنوع واقعا مهم است چون اجازه می دهد تفاوت میان افراد را درک کنیم، فقط هم در مورد تفاوت زنان و مردان صحبت نمی کنیم. ما دیگر دو قطب متضاد نیستیم یک رنگین کمان عظیم از احتمالات متنوع هستیم که به ما کمک می کند جامعه ای برابرتر بنا کنیم.

سوال: آیا عنصر قومیتی وجود دارد مثل بومیان، وقتی داریم درباره عرصه عمومی صحبت می کنیم؟ آیا روندی هست که شما دیده باشید به عنوان مثال وقتی درباره جرائم سازمان یافته صحبت می کنیم آیا به نظر شما قومیت خاصی یا افراد بومی هدف جرائم سازمان یافته هستند زمانی که دختران قربانی فحشا یا بردگی جنسی می شوند؟

جواب: دیدگاه قومیتی در مکزیک اهمیت دارد چون بخش بسیار زیادی از جمعیت ما افراد بومی هستند و آداب فرهنگی و سنتی زیادی داریم یا رسوم بومی که از خشونت علیه زنان استفاده می کنند. پس درارتباط با این سنتها معضل زیادی داریم چون تحول آن ها مشکل است. چون درمکزیک سنتها توسط قانون اساسی حمایت می شوند. بنابراین سعی داریم از تغییر همه رسوم منفی و تبعیض آمیز و خشن، از ریشه حمایت کنیم تا به حقوق بشر احترام بگذارند.

سوال: می توانید مثال بزنید؟

جواب: بله به عنوان مثال در بسیاری از جوامع رایج است که دختران کوچک در سن ۱۲، ۱۳ یا ۱۴ سالگی به دیگران فروخته می شوند تا ازدواج کنند این معضل بزرگی است که خشونت جنسی علیه زنان را عادی جلوه می دهد.

سوال: آیا برای ازدواج است یا برای کارهای خانه یا کار در مزرعه است؟

جواب: نه، اغلب برای ازدواج است. حداقل سنتها به نفع این فروختن به خاطر ازدواج عمل می کنند.

سوال: که تصور می کنیم از نظر قانونی ممنوع است؟

جواب: نه ما در حال فعالیت برای ممنوعیت ازدواج زیر سن قانونی هستیم.

سوال: قانون راجع به سن ازدواج چه می گوید؟

جواب: قانون فدرال اخیرا اصلاح شده و ازدواج میان کودکان زیر سن قانونی را ممنوع می کند ولی قوانین محلی قانون مدنی درارتباط با ازدواج صلاحیت محلی دارد. هنوز بسیاری از قوانین محلی ازدواج زیر سن قانونی را مجاز می دانند. به ویژه ازدواج دختران زیر ۱۴ سال و پسران زیر ۱۶ سال که ممنوع است. بنابراین سعی داریم قانون را تغییر دهیم تا دیگر ازدواج زیر سن قانونی نداشته باشیم. ولی هنوز باید کار زیادی برای تغییر همه قوانین صورت گیرد. ولی اصلاح قانون فدرال یک گام بزرگ است کمک می کند بقیه قوانین را تغییر دهیم که در آینده ازدواج زیر سن قانونی را ممنوع کنیم.

سوال: خیلی جالب است چون برای ما که در کشورهایی کار می کنیم که شریعت اسلامی حاکم است و ازدواج براساس قوانین اسلامی است شاید تحت تاثیر این تلقی باشیم که این مشکل تنها برای کشورها یا جوامع مسلمان وجود دارد اما مثال شما نشان می دهد که گستره این مشکل خیلی وسیع است و صرفا محدود به یک دین خاص نیست. مربوط به سنتها است. حالا سوال من این است که شما به جرائم سازمان یافته اشاره داشتید باید کمی این مبحث را بسط دهیم مخصوصا زمانی که صحبت از قاچاق انسان و فحشا می شود و این که چرا این کار یک کار سود آور است و آیا محدود می شود یا فراتر از آن؟

جواب: همانطور که گفتید مشکل سازمان های مجرمانه مکزیک یک مشکل عظیم است. از سال ۲۰۱۲ یک سیاست امنیتی داریم که به جنگ سازمان های مجرمانه رفته است. اما این جنگ در مقابله با این مشکل واقعا ناموفق بوده است. به جای ریشه کنی مشکل، در حال حاضر مشکل عظیمی در رابطه با سازمان های مجرمانه داریم. چون این سازمانها درمکزیک قدرت بالایی دارند و نفوذ زیادی در محدوده های بسیاری در مکزیک و هم چنین در حکومت دارند. فساد الان درخصوص مقابله با آن یک مشکل بزرگ است چون تقریبا درکل حکومت نفوذ کرده اند. قبل از ۲۰۱۲ بازار اصلی مرتبط با جرائم سازمان یافته قاچاق مواد مخدر

بود اما حالا مواد مخدر بازار اصلی و کار اصلی سازمان های مجرمانه نیست. الان مهمترین بازار برای سازمان های مجرمانه قاچاق انسان است مخصوصا برای بهره کشی جنسی. بنابراین در حال حاضر مشکل بزرگی در رابطه با قاچاق انسان داریم مخصوصا با دختران و پسران کم سن و سال که ربوده می شوند و مورد بهره کشی قرار می گیرند نه تنها در مکزیک بلکه در کشورهای دیگر. ما یک ایالت در بخش مرکزی مکزیک داریم به نام کلاسال و به خاطر فاحشه گری شناخته شده است و اکنون کارتل های فاحشه گری داریم که نه تنها در مکزیک بلکه در کشورهای دیگر کار می کنند. بنابراین قاچاق انسان ریشه عمیقی دارد که از مکزیک تا ایالات متحده تا جاهای دیگر در آسیا و اروپا امتداد دارد. بنابراین در حال حاضر مشکل بزرگی در ارتباط با قاچاق انسان وجود دارد ما مواردی از بچه ها را مستند سازی کرده ایم از پسر ها و دختر های تازه متولد شده تا ۷ و ۸ ساله که مورد بهره کشی جنسی قرار خواهند گرفت و یک شکاف بزرگ میان دختر های ۷ تا ۱۷ ساله داریم که از طریق قاچاق انسان در مکزیک و کشورهای دیگر مورد بهره کشی جنسی قرار می گیرند.

سوال: شما یک بار به من گفتید که به عنوان یک وکیل و یک کنشگر علیه فمی ساید گاهی احساس می کنید که نقش شما فقط شمردن اجساد است.

به عنوان مدافعان حقوق بشر و به عنوان سازمانی که به ریشه کنی فمی ساید متعهد است اول کاری که باید می کردیم مستند سازی پرونده ها بود ما شمارش مرگ و میرها را شروع کردیم. شمارش مردگان یک مشکل است چون گاهی آنها به عنوان اعداد در نظر گرفته می شوند وقتی تعداد مرده ها را در نظر می گیریم، داستان بی رحمانه ای را که در پشت این جرائم است، فراموش می کنید. وقتی پرونده ها را مستند سازی می کنیم داستان این دختران و این زنان را متوجه می شویم که دارند به قتل می رسند و درک می کنیم که هر عدد یک زندگی است. بنابراین وقتی می فهمید که هر روز ۸ زن کشته می شوند می فهمید که هر روز، زندگی ۸ نفر نابود می شود. کل آینده نابود می شود و این تفاوت بزرگی ایجاد می کند. چون درد و رنج و خشونت فاحشی که این جرائم دارند را درک می کنیم. وقتی می فهمید که نیمی از این جرائم مربوط به دختر بچه هایی می شود که مورد بهره کشی جنسی قرار گرفته

اند، ابعاد مشکل وحشتناک می شود. باید بفهمید که یک دختر یا یک پسر بچه یا یک زن که قرار است مورد بهره کشی جنسی قرار بگیرد مجبور می شود هر روز ۱۷-۱۸ رابطه جنسی داشته باشد، که همه آنها اجباری خواهد بود. امید به زندگی یک زن یا دختر که مورد بهره کشی جنسی قرار گرفته است یک تا دو سال است. پس وقتی ابعاد این وضعیت را می بینید خیلی وحشتناک است. وقتی پرونده بچه هایی که مرده پیدا می شوند را مستند سازی می کنید و وقتی کالبد شکافی انجام می دهند در شکم کوچک آنان اسپرم پیدا می کنند می دانید! فقدان بشریت را در این حوادث درک می کنید. بنابراین وضعیت دردناک است و ریشه کنی این شرایط خیلی دشوار است. چون نه تنها با سازمان های مجرمانه می جنگیم که خیلی قدرتمند هستند و نواحی زیادی را تحت کنترل دارند بلکه با فساد مقامات هم روبرو هستیم و این ما را به عنوان مدافعان حقوق بشر در خطر بزرگی قرار می دهد.

سوال: در واقع می خواهم بدانم نقش دولت چیست؟ چون در بسیاری از کشورهای جهان ما با معضل فساد و جرائم سازمان یافته یا مافیای گروه های ذی نفوذ روبرو هستیم که بازیگران غیردولتی یا بازیگران خشن هستند دولت ها در موردش صحبت می کنند و می گویند چه می خواهید این جرائم سازمان یافته و خارج از اختیارات ما است. اما مسئولیت دولت چیست؟

جواب: فکرمی کنم وقتی درباره این خشونت های برپایه جنسیت حرف می زنیم باید درباره افراط گرایی و... حرف بزنیم و باید دولت متعهد به ریشه کنی این افراط گرایی باشد اما در مکزیک متاسفانه مقامات برای ریشه کن کردن این شرایط کاری انجام نمی دهند.

سوال: چون در آن منفعت دارند؟

جواب: بله آنها در این کسب و کار قاچاق انسان منفعت دارند و همانطور که فساد یک مشکل عظیم در کشور است این فساد زمینه ساز مصونیت نیز است. حداقل در مکزیک موارد مرتبط با خشونت برپایه جنسیت و خشونت شدید برپایه جنسیت، ناپدید شدن، بهره کشی جنسی و فمی ساید ما ۹۹ درصد مصونیت و فرار از مجازات داریم. مصونیت بر مبنای دو وضعیت فقدان تحقیقات قضایی نامطلوب و فقدان

پیگرد قضایی جرایم و مشکلاتی که با قوه قضاییه داریم، قضاتی که در این پرونده ها به شکایت ها رسیدگی نمی کنند، به نتیجه نمی رسیم، نمی توانیم این نوع خشونت را جنبه غیرمدنی بدهیم. پس زمانی که تحقیقات خوب و رسیدگی خوب ندارید مصونیت دارید و مصونیت یک پیام تساهل مخابره می کند. پیامی که به زنان می گوید به قتل می رسند، مورد خشونت قرار می گیرند و هیچ اتفاقی نمی افتد. و این زندگی زنان را در خطر بزرگی قرار می دهد. اگر ما با این مصونیت مقابله نکنیم هرگز مشکل را ریشه کن نخواهیم کرد و این درمکزیک به کرات اتفاق می افتد و مشکل هر بار بدتر می شود.

سوال: می خواهم کم کم جمع بندی کنم اما قبل از آن مایلیم در مورد نقش جنبش زنان یا جنبش جامعه مدنی (به عنوان مثال) صحبت کنیم یا موج هایی که به صورت بین المللی رهبری می شوند مثلا جنبش Me Too، آیا اینها تاثیری دارند؟ آیا شما موارد مشابهی دارید که افکار عمومی را بسیج کند؟

جواب: درمکزیک جنبش حقوق بشری به ویژه جنبش فمینیستی برای تغییر واقعیت اساسی بوده است. کاری که سازمان های حقوق بشری به ویژه آنهایی که به وسیله زنان رهبری می شوند بسیار اهمیت دارند چون اکثر کارها را آنان انجام می دهند که دولت انجام نداده است. به عنوان مثال ما در حال توسعه یک سری مکانیزم های واقعا جالب توجه بوده ایم که از خشونت جلوگیری کند. مثلا هشدار خشونت جنسیتی که یک مکانیزم خیلی جدید درمکزیک است که در قانون برای حذف خشونت علیه زنان آمده است تا زندگی بدون خشونت را تضمین نماید که در آن سازمان های حقوق بشری می توانند از حکومت بخواهند و می توانند دولت را مجبور کنند که شرایط خشونت شدید در زمان ها و مکان های معین در کشور را کنترل کند. بنابراین این مکانیزم به ما اجازه می دهد تا وضعیت خشونت را آشکار کنیم و کمک می کند تا خط مشی هایی که نتیجه ندارند را متحول یا اصلاح کنیم. خشونت علیه زنان را پیشگیری، مهار و تعیین مجازات کنیم. می توانیم روی سیاست های امنیتی، سیاست های قضایی یا سیاست های پیش گیرانه کار کنیم تا این خشونت ها علیه زنان را ریشه کن کنیم. بنابراین به خاطر جنبش حقوق بشری

است که توانستیم این مشکل را طی چند سال گذشته، غیرمتمدانه معرفی کنیم. زمانیکه که تاریکی حاکم بود به خاطر این جنبش بود که توانستیم آن را به سمع و نظر مقامات برسانیم و حالا به خاطر این جنبش، مشکل خشونت علیه زنان یک از مهمترین موضوعات در دستور کارهای عمومی است. پس در حال حاضر این ها به ما کمک می کند عناصر بیشتری داشته باشیم. حامیان واقعی با مقامات داشته باشیم، تا سازوکارهای جدید برقرار کنیم تا از این خشونت ها پیشگیری کنیم.

سوال: شما یک وکیل هستید می توانید راهنمایی کنید وضعیت جنگی یعنی چه؟ وضعیت جنگی را چگونه تعریف می کنید؟

جواب: حداقل برای من به عنوان یک وکیل شرایط خشونت عمومیت یافته در یک قلمرو، جنگ است. جنگ می تواند اشکال زیادی داشته باشد، لازم نیست جنگ میان دو دولت باشد. می تواند جنگ میان گروه های قدرتمند باشد. مثلا درمکزیک فکر می کنم جنگ سازمان های مجرمانه علیه مردم داریم و دولت و حکومتی داریم که برضد مردم است. چون خط مشی هایش راجع به امنیت، بیشتر به نفع ایجاد یک شرایط جنگی است تا ایجاد یک شرایط صلح. ما کار نمی کنیم یا حداقل مقامات کار نمی کنند تا صلح برقرار کنند، درمکزیک کار می کنند تا تقابل داشته باشند و ما آن را به عنوان شرایط جنگی درک نمی کنیم. بنابراین برای من جنگ شرایط یک کشوری است که یک بحران بشردوستانه دارد، که بر جامعه مدنی تاثیر می گذارد چون می تواند شبکه اجتماعی را قطع کند و وضعیت عدم امنیت و مصونیت از مجازات ایجاد می کند و خون ریزی که باعث نابودی جامعه می شود.

سوال: بدون این که بخواهیم آنچه را که نام گذاری می کنیم احتمالا خشونت بر پایه جنسیت به شیوه ای لطیف تر بنابراین یک فرمول بندی آرامش بخش است مطمئن نیستم که لزوما به طور کامل آنچه را که در حال وقوع است در بر می گیرد اشتباه است چنانچه بگوییم علیه زنان جنگی در جریان است؟

جواب: بستگی دارد که از کدام منظر این واقعیت را درک می کنید. اگر از من بپرسید من آن را جنگ علیه زنان نام گذاری می کنم مثل جنگ مردان علیه زنان و این ریشه در ساختار یک جامعه پدرسالار دارد که زنان را به عنوان شهروند درجه دوم



Politis Asia 21

Sexual and Gender-based Violence in War

Armanshahr
2019



۶۲ خشونت جنسی و جنسیتی در جنگ

می شناسد. بنابراین یک جنگ باستانی بوده است که زنان را تبدیل به اشیا جنسی و مایملک مردان کرده است و درحال حاضر می توانیم این جنگ را به عنوان نمود خشونت فاحش علیه زنان محسوب کنیم. ما آن را فمی ساید می نامیم سایرین آن را جرائم ناموسی می نامند. ولی وقتی شما شرایط زنان را در سراسر جهان درک می کنید می فهمید که این یک وضعیت رایج برای همه زنان است درهرجایی که شما تقابل و جنگ می بینید، می بینید که مردم بدترین وضعیت را به خاطر خشونت برپایه جنسیت دارند. می توانید به اردوگاه های پناهندگان بروید و ببینید که بسیاری از زنان مورد بهره کشی جنسی قرار گرفته اند. تجاوز و خشونت جنسی علیه آنان وجود دارد. واقعا دربقیه جاها رایج است ازدواج به دختران کم سن تحمیل می شود مورد تجاوز قرار می گیرند چون فرصتی ندارند که به آن ازدواج ها رضایت دهند. بنابراین اگر شرایط زنان را در سراسر جهان درک کنیم، می توانیم ببینیم که این یک جنگ علیه آنان است. جنگی است که آنان را نابود می سازد بدن ها و وجودشان را نابود می سازد و این یک مشکل عظیم در فرهنگ ماست. متاسفانه سطح خشونت گسترده است. خشونت جنسیتی در فرهنگ ما کاملا عادی شده است سیاست تمایل دارد این نوع خشونت را عادی نماید. در بسیاری از موارد این نوع خشونت را ترویج می کنند. بنابراین باید ذهنیت مردم را عوض کنیم، باید جوامع خود را تغییردهیم باید تبعیض و خشونت برپایه جنسیت را درک کنیم تا بتوانیم یک جامعه بهتر، فارغ از این نوع خشونت ها، بنا کنیم.